Quarterly Journal of Fiscal and Economic Policies

Spring 2023, Vol. 11, No. 41, PP. 197-242

Presenting the risk-based supervision model on banks and credit institution by using grounded theory

Seyad Mostafa Mosavi Ivanaki
PhD student in International Finance, Department of Financial Management, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.
Mirfeiz Fallah Shams*
Associate Professor, Department of Financial Management, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.
Farhad Hanifi
Assistant Professor, Department of Financial Management, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Received: 19/02/2023 **Accepted: 10/05/2023**

Abstract:

The aim of this research is to present a risk- based supervision model by the bank and credit institution supervisor. The statistical population includes all experts in the banking industry and our sampling method is a theoretical and targeted one(snow ball).For this purpose ten experts- experts and senior managers of the banking sector (central bank and banking network) and university professors- are selected and interviewed. Propositions and conceptual relationships of the phenomena that makeup the model are introduced, based on the grounded theory, after collection of organized data and inductive analysis of concepts derived from interviews, through open cooling, axial coding and selective coding of categories. In addition, after reviewing the theoretical foundations and experiences of other countries, some effective components are included in the model. The results of the research represent 35 dimensions. Findings show that the lack of a clear definition of the supervision concept and its goals has caused stakeholders and actors to face different expectations of the concept of performance and the outcome of regulatory system. This issue leads to an inconsistency between the supervised organization, supervisory institution and decision-making authorities Also, the inadequacy of the monitoring in current situation, due to the retrospective nature of the existing monitoring framework, has placed satisfaction with the output of the current monitoring framework at a low level. Relying solely on the approach of comparative supervision and not paying attention to future risks and future forecasting, as well as the lack of a proper process and structure in applying supervision show the necessity of the risk-based supervision. JEL Classification: C54, E52, E58

Keywords: Supervisory institution, Risk Based supervision, Open coding, Axial coding, Selective coding.

* Corresponding Author, Email: fallahshams@gmail.com

[Downloaded from qjfep.ir on 2025-11-29]

[DOI: 10.61186/qjfep.11.41.197]

[DOI: 10.61186/qjfep.11.41.197] [Downloaded from qjfep.ir on 2025-11-29]

سال یازدهم، شماره ۴۱، بهار ۱۴۰۲، صفحات ۲۴۲–۱۹۷

ارائه الگوی نظارت مبتنی بر ریسک بر بانک‌ها و مؤسسات اعتباری با استفاده از نظریه داده بنیاد

سید مصطفی موسوی ایوانکی
دانشجوی دکتری گروه مدیریت مالی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
mmousavi99@yahoo.com
میرفیض فلاح شمس
دانشیار گروه مدیریت مالی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
fallahshams@gmail.com
فرهاد حنیفی
استادیار گروه مدیریت بازرگانی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
Hanifi_farhad@yahoo.com

هدف این تحقیق، ارائه مدل نظارت مبتنی بر ریسک توسط نهاد ناظر بر بانک‌ها و مؤسسات اعتباری است. جامعه آماری پژوهش حاضر، شامل کلیه متخصصان و صاحب‌نظران حوزه بانکداری بوده و نمونه‌گیری در این تحقیق نیز از نوع نمونه‌گیری نظری و هدفمند (گلوله برفی) است. برای این منظور با استفاده از روش نظریه‌پردازی داده بنیاد از طریق مصاحبه حضوری، ده نفر از خبرگان، صاحب‌نظران و مدیران ارشد حوزه بانکی (بانک مرکزی و شبکه بانکی) و اساتید دانشگاه انتخاب و با ایشان مصاحبه شد، بر اساس نظریه کیفی داده بنیاد پس از گردآوری سازمان‌یافته داده‌ها و تحلیل استقرایی مفاهیم استخراج شده حاصل از مصاحبه‌ها، از طریق کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی، مقوله‌ها و گزاره‌ها معرفی و روابط مفهومی پدیده‌ها که مدل را تشکیل می‌دهند ارائه شده است. نتایج حاصل از تحقیق معرف ۳۵ بعد در قالب پنج مقوله به شرح ارائه شده در متن پژوهش است بر اساس نتایج تحقیق، فقدان تعریف مشخص از مفهوم نظارت و اهداف آن باعث شده است ذینفعان و کنشگران حوزه بانکداری، انتظارات متفاوتی از مفهوم و حدود عملکرد و به‌تبع آن خروجی سیستم نظارتی داشته باشند. این موضوع باعث ناهماهنگی فی‌مابین سازمان نظارت شونده، نهاد ناظر و مراجع تصمیم‌گیری می‌شود. همچنین عدم کفایت وضعیت فعلی نظارت، به‌واسطه گذشته‌نگر بودن چارچوب نظارت موجود، رضایت از خروجی چارچوب فعلی نظارت را در سطح پایین قرار داده است؛ اتکا صرف به رویکرد نظارت تطبیقی و عدم توجه به مخاطرات آتی و پیش‌بینی آینده و نیز فقدان فرآیند و ساختار مناسب در اعمال نظارت، ضرورت نظارت مبتنی بر ریسک را ایجاب می‌کند. علاوه بر این کمبود و تخصیص نامناسب منابع بانکی و نیز تغییرات گسترده و پیچیدگی‌های محیط کسب‌وکار در صنعت بانکداری ضرورت استقرار مدل نظارت مبتنی بر ریسک را توجیه می‌کند.

طبقه‌بندی JEL: C54,E52,E58
واژگان کلیدی: نهاد ناظر، نظارت مبتنی بر ریسک، کدگذاری باز، کدگذاری محوری، کدگذاری انتخابی.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۳۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۲۰

[Downloaded from qjfep.ir on 2025-11-29]
[DOI: 10.61186/qjfep.11.41.197]

۱. مقدمه

بررسی روند سال‌های اخیر بازار پول کشورهای مختلف نشان‌دهنده این است که استفاده از ابزارهای مالی جدید و رشد روزافزون فن‌آوری توسط بانک‌ها منجر به ظهور اشکال مختلف ریسک شده است. بانک‌ها و مؤسسات اعتباری به‌عنوان واسطه‌گر وجوه، تجهیز منابع خود را از طریق سپرده‌پذیری انجام و با تخصیص آن به بنگاه‌های اقتصادی نقش مهم و حیاتی در اقتصاد هر کشور ایفا می‌کنند در این ارتباط بنگاه‌های فعال در بازار پول با رویکرد رقابتی و باهدف جذب حداکثر مشتریان (سپرده‌گذاران و متقاضیان استفاده از تسهیلات) ضمن توسعه فعالیت‌ها، وارد محیط‌های بی‌ثبات و همراه با خطر شده‌اند. علاوه بر این انگیزه زیاد بانک‌ها و مؤسسات اعتباری جهت کسب سود و افزایش بازده حقوق صاحبان سهام و سپرده‌گذاران از یک سو و عدم تناسب و توازن زمانی بین سپرده‌های کوتاه‌مدت دریافتی و تسهیلات مدت‌دار بانک‌ها، همگون نبودن نرخ‌های سود پرداخت‌شده بابت سپرده‌های دریافتی و سود مکتسبه بابت انواع تسهیلات اعطایی، فقدان تعریف و تحصیل درآمدهای پایدار و درنهایت تکانه‌های شدید اقتصادی از قبیل تغییرات نرخ ارز، بروز رکود اقتصادی و ناتوانی مشتریان بانک‌ها در ایفای تعهداتشان و تورم و سایر عوامل، باعث پذیرش ریسک از سوی بانک‌ها شده است. موارد فوق‌الذکر با در نظر گرفتن ماهیت و پیوستگی بنگاه‌های فعال در صنعت بانکداری از حیث بالا بودن ریسک سرایت[1] در این صنعت در مواردی باعث بروز بحران در نظام بانکداری و حتی بحران‌های اجتماعی می‌شود. بر این اساس باید پذیرفت بانک‌ها نسبت به سایر صنایع با ریسک‌های گسترده‌تری مواجه هستند. قرار گرفتن بانک‌ها در معرض انواع ریسک‌ها ازجمله ریسک اعتباری[2]، نقدینگی[3]، عملیاتی، بازار و غیره تداوم فعالیت و حیات بانک‌ها را به مخاطره انداخته و بزرگ‌ترین سرمایه هر بانک و مؤسسه اعتباری که همانا حفظ اعتماد عمومی به شبکه بانکی است را مخدوش می‌نماید. با در نظر گرفتن

1. Contagion risk
2. Credit risk
3. Liquidity risk

[Downloaded from qjfep.ir on 2025-11-29]

[DOI: 10.61186/qjfep.11.41.197]

موارد مذکور، نقش جایگاه نظارت توسط نهاد ناظر (بانک مرکزی) بیش از پیش نمایان می‌شود. چگونگی فرآیند نظارت بر بانک‌ها و مؤسسات اعتباری دربرگیرنده اهداف، فرآیندها، ریسک‌های مرتبط و نیز روش‌های متداول نظارتی بر اساس توصیه‌های نهادهای مالی بین‌المللی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در این ارتباط اگرچه در سال‌های اخیر اقداماتی از قبیل الزامات مربوط به کفایت سرمایه، استقرار نظام حاکمیت شرکتی[1]، ملاحظات مربوط به گزارشگری مالی و عملیاتی و سایر موارد از سوی نهاد ناظر بازار پول (بانک مرکزی) انجام شده است، لیکن سازوکارهای تعریف و اجرا شده از این حیث که عمدتاً گذشته‌نگر و با تأکید صرف بر رعایت و تطبیق فعالیت‌های بانک‌ها با احکام قانون و مقررات است کافی به مقصود نیست، این در حالی است که اقدامات نهاد ناظر در حدود تکالیف و اختیارات قانون می‌بایست با یک رویکرد آینده‌نگر مانع از تضییع حقوق ذینفعان ازجمله سپرده‌گذاران، صاحبان سرمایه و سایر ذینفعان باشد. در این ارتباط استقرار یک الگوی نظارت مبتنی بر ریسک می‌تواند به ایجاد ثبات و سلامت نظام بانکی و افزایش ظرفیت پاسخگویی بنگاه‌های مالی فعال در بازار پول در قبال ذینفعان کمک شایانی نماید.

در مقاله پیش رو ضمن ارائه مختصری از مبانی نظری و ادبیات تحقیق در حوزه ریسک، نظارت و نظارت مبتنی بر ریسک با تأکید بر ریسک‌های پیش روی نظام بانکی و وضعیت فعلی نظارت در شبکه بانکی توسط نهاد ناظر به پیشینه تحقیقات در این حوزه پرداخته شده است. در ادامه روش‌شناسی پژوهش و چگونگی جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز و نیز تجزیه‌وتحلیل داده‌ها با استفاده از نظریه داده بنیاد تشریح شده است. سپس ضمن ارائه مدل پیشنهادی استخراج شده از نظریه داده بنیاد، یافته‌های حاصل پس از مرور کامل مصاحبه‌های انجام شده تبیین شده و در پایان مطالب جمع‌بندی و نتیجه‌گیری شده است.

1. Corporate governance

[Downloaded from qjfep.ir on 2025-11-29]

[DOI: 10.61186/qjfep.11.41.197]

۲. مبانی نظری و پیشینه پژوهش

اهداف تنظیم مقررات و نظارت

در متون اقتصادی اهداف متعددی برای نظارت و مقررات‌گذاری بر بازارهای مالی ذکر شده است. اهدافی همچون تقویت یکپارچگی بازارهای مالی، مقررات رقابتی (اصول مربوط به ادغام‌ها و اقدامات ضدرقابتی)، مقررات احتیاطی (نظارت احتیاطی) و ... . اما آنچه در بین اکثر متون مشترک است، چهار هدف عمده برای تنظیم و نظارت به شرح زیر است:

- ثبات اقتصاد کلان اولین هدف مقررات‌گذاری و نظارت بر بازارهای مالی است. محافظت از ثبات سیستم عبارت از کنترل‌های کلان بر رشد اقتصادی، تورم، نرخ ارز، نرخ‌های بهره، سیاست‌های تعرفه‌ای و نظام تجاری، سیاست‌های مالیاتی و نظام‌های پرداخت و تسویه است.
- هدف دوم مقررات‌گذاری و نظارت ثبات خرد در واسطه‌های مالی است. عوامل دستیابی به این هدف را می‌توان در دو دسته تقسیم‌بندی نمود: قواعد کلی مربوط به ثبات که بر همه نهادهای تجاری و کسب‌وکارها حاکم است و قواعد خاصی که با توجه به ماهیت فعالیت مالی تعیین می‌شوند. علاوه بر این کنترل‌های مربوط به ثبات خرد می‌توانند بر مبادلات مالی و نظام‌های تسویه‌ای نیز تمرکز کنند.
- شفافیت در عملکرد بازار و واسطه‌ها یعنی حمایت از سرمایه‌گذار سومین هدف مقررات‌گذاری و نظارت است. این هدف به هدف کلی عدالت در توزیع منابع مربوط می‌شود و ممکن است به‌صورت «عدالت در توزیع اطلاعات بین فعالان» نمود پیدا کند. قواعد شفافیت رفتار یکسانی را در سطح کلان وضع نموده و عدم تقارن اطلاعات را تصحیح می‌کند. چنین قواعدی در سطح خرد عدم تبعیض در روابط بین فعالان اقتصادی و مصرف‌کنندگان مختلف را تضمین می‌کند (قواعد انجام کسب‌وکار).
- چهارمین هدف مقررات‌گذاری و نظارت بر بازارهای مالی محافظت و حمایت از رقابت در بخش مالی است که با هدف کلی کارایی مرتبط است. تحقق این امر نیازمند قواعدی برای کنترل قدرت و ساختارهای بازار و در سطح خرد قواعد مرتبط با ادغام و مالکیت، کارتل‌ها و

[Downloaded from qjfep.ir on 2025-11-29]

[DOI: 10.61186/qjfep.11.41.197]

سوءاستفاده از موقعیت برتر است. همچنین ممکن است در جهت محدود کردن بی‌ثباتی شدید ناشی از رقابت سنگین در این بازار مهم، کنترل‌های خاصی بر واسطه‌های مالی اعمال شود. (مصطفی پور، ۱۳۹۵)

ابعاد مقررات‌گذاری و نظارت بر بازارهای مالی

مقررات‌گذاری در اقتصاد به‌طورکلی درصدد اصلاح عملکردهای ناصحیح بازار و توزیع مناسب منابع است. این امر با استفاده از سه عامل شامل ثبات، توزیع بهینه منابع و کارایی محقق می‌شود. از آنجا که انباشت سرمایه و تخصیص منابع مالی لازمه رشد و توسعه اقتصادی است، مقررات‌گذاری و نظارت بر نظام مالی اهمیت ویژه‌ای دارد. نظارت بر فعالیت بازارهای مالی به‌طور مرسوم به سه طبقه کلی شامل «نظارت احتیاطی کلان»، «نظارت احتیاطی خرد» و «هدایت کسب‌وکار» تقسیم می‌شود. در ادامه، هر یک از این ابعاد مورد بررسی قرار گرفته و تجربیات اجرای آن‌ها در کشورهای منتخب ارائه می‌شوند. با توجه به ارتباط نزدیک بین نظارت احتیاطی خرد و نظارت احتیاطی کلان، در این قسمت دو مورد مذکور در قالب «نظارت احتیاطی» مورد بررسی قرار می‌گیرند. در این خصوص خاطرنشان می‌شود که ماهیت فعالیت‌های بازارهای مالی به گونه‌ای است که همه یا عمده این فعالیت‌ها مبتنی بر ریسک هستند. «نظارت احتیاطی» بر بازارهای مالی به منظور کاهش زمینه بروز این ریسک‌ها صورت می‌گیرد.

پیش از وقوع بحران مالی اقتصاد جهانی در سال ۲۰۰۷ میلادی، نظارت احتیاطی در بازارهای مالی عمدتاً معطوف به «نظارت احتیاطی خرد» بود که بر سلامت عملکرد بنگاه‌های درون هر یک از بازارهای مالی به‌طور جداگانه تمرکز داشت. وقوع بحران مالی اقتصاد جهانی و سرایت بحران از یک بازار (بازار پول) به سایر بازارهای مالی نشان داد که تدابیر مربوط به نظارت احتیاطی خرد قادر به جلوگیری از بروز ریسک‌های سیستمی که ناشی از تحولات اقتصادی و یا فعالیت سایر بازارهای مالی هستند، نیست. لذا موضوع «نظارت احتیاطی کلان» مطرح شد و در ساختارهای نظارتی مورد توجه قرار گرفت. با این حال، نظارت احتیاطی خرد و نظارت احتیاطی کلان تا حد زیادی مکمل یکدیگر هستند به‌طوری‌که وجود نهادهای مالی قوی لازمه برخورداری از یک

[Downloaded from qjfep.ir on 2025-11-29]
[DOI: 10.61186/qjfep.11.41.197]

سیستم مالی باثبات تلقی می‌شود و برعکس برخورداری از سیستم مالی باثبات موجب تقویت نهادهای مالی خواهد شد. (ریچارد، ۲۰۰۸)

نظارت احتیاطی خرد

نظارت احتیاطی خرد با نظارت احتیاطی کلان ارتباط نزدیکی دارد، ولی بجای تمرکز بر توانگری مجموعه نظام مالی، بر توانگری نهادهای مجزای درون نظام مالی تمرکز دارد. از منظر نظارت خرد، ریسک به عنوان یک عامل برون‌زا لحاظ می‌شود به عبارتی هر شوک احتمالی منتج به بحران مالی، منشأ بیرونی دارد که هیچ ربطی به رفتار نظام مالی ندارد. در این شرایط بررسی ترازنامه مؤسسات مالی برای برآورد ریسک آن‌ها به عنوان یک اقدام نظارت خرد، ضرورت دارد. درواقع نظارت احتیاطی خرد امنیت و سلامت مؤسسات مالی را به صورت منفرد مد نظر قرار می‌دهد.

نظارت احتیاطی خرد مجموعه اصول و مقرراتی است که برای سلامت و ایمنی عملکرد انفرادی هر یک از بنگاه‌های مالی درون یک بازار به‌طور مجزا از سایر بنگاه‌های مالی بکار گرفته می‌شود. لذا از این منظر هر یک از بازارهای پول، سرمایه و بیمه اصول و مقررات داخلی جداگانه‌ای دارند که هدف آن تضمین صحت و ایمنی عملکرد انفرادی هر یک از مؤسسات درون بازار مالی است. به عنوان مثال مقررات نظارت احتیاطی خرد در بازار پول بر خطر ورشکستگی یک بانک تمرکز دارد. در حالی که نظارت و پایش خطرات فروپاشی نظام بانکی موضوع نظارت احتیاطی کلان در بازار پول است. به‌طور معمول در سطح بین‌المللی نهاد مقررات‌گذار مرتبط با هر یک از بازارهای مالی اصول و استانداردهایی را برای نظارت و مقررات‌گذاری معرفی می‌کند. در سطح ملی نهادهای ناظر و مقررات‌گذار تلاش می‌کنند که با توجه به شرایط داخلی خود این استانداردها را پیاده کنند.

[Downloaded from qjfep.ir on 2025-11-29]

[DOI: 10.61186/qjfep.11.41.197]

جدول ۱. چارچوب‌های نظارت و مقررات‌گذاری احتیاطی خرد در کشورهای منتخب

	ساختار مدیریتی	وظایف	اختیارات
انگلستان نهاد مقررات احتیاطی (PRA)[1]	ساختار نظارت مالی انگلستان از آوریل سال ۲۰۱۳ میلادی از یکپارچه به دوقله‌ای تغییر کرد و نظارت احتیاطی خرد و کلان هر دو به بانک انگلستان سپرده شد. رئیس بانک انگلستان، رئیس PRA است. هیئت‌مدیره PRA دارای ۱۱ عضو است.	مسئول مقررات‌گذاری و نظارت بر بانک‌ها، شرکت‌های ساختمانی، مؤسسات اعتباری، بیمه‌ها و شرکت‌های سرمایه‌گذاری با هدف تقویت ایمنی و سلامت نهادهای مالی	تدوین استانداردها یا سیاست‌ها برای مؤسسات تحت نظارت کمک به نهادهای تحت نظارت برای تشخیص، تحلیل و مدیریت ریسک ارزیابی ریسک در مؤسسات تهیه گزارش توسط ناظران
آمریکا فدرال رزرو دفتر حسابرسی پولی (occ)[2] اداره اتحادیه اعتباری ملی[3] شرکت بیمه سپرده فدرال[4] کمیسیون بورس و اوراق بهادار[5] کمیسیون معاملات آتی کالا[6]	در آمریکا نظارت و مقررات‌گذاری بانکی بر عهده فدرال رزرو است. دفتر حسابرسی پولی (occ) بر تمامی بانک‌های ملی و مؤسسات بانکی تعاونی و شعب مرکزی بانک‌های خارجی در آمریکا مقررات‌گذاری و نظارت می‌کند و مبارزه با پولشویی را نیز بر عهده دارد. مقررات‌گذاری، صدور حکم و نظارت بر اتحادیه‌های اعتباری فدرالی توسط اداره اتحادیه اعتباری ملی انجام می‌شود.	رسیدگی به مشکلات بانکی، نظارت و مقررات‌گذاری بر مؤسسات بانکی و حمایت از حقوق اعتباری مشتریان از جمله وظایف فدرال رزرو در حوزه نظارت احتیاطی خرد است. وظایف اصلی OCC شامل تضمین و تأمین ایمنی و سلامت سیستم بانکی ملی و اتحادیه‌های پس‌انداز فدرالی، تشویق به رقابت با اجازه به بانک‌ها برای ارائه محصولات و خدمات جدید، بهبود بهره‌وری و اثربخشی نظارت این دفتر به‌خصوص در جهت کاهش بار نظارتی، اجرای قوانین ضد پولشویی و ضد تأمین مالی تروریسم است. حمایت از سرمایه‌گذاران، حفظ بازارها به صورت عادلانه، منظم و کارآمد و تسهیل تشکیل سرمایه سه وظیفه اصلی کمیسیون بورس اوراق بهادار هستند. وظایف کمیسیون معاملات آتی شامل حصول اطمینان از مطلوبیت بازارهای آتی به‌وسیله تشویق آن‌ها به رقابت و کارایی،

1. Prudential Regulation Authority (PRA)
2. Office of the Comptroller of the Currency(OCC)
3. National Credit Union Administration (NCUA)
4. Federal Deposit Insurance Corporation (FDIC)
5. Securities & Exchange Commission (SEC)
6. Commodity Futures Trading Commission (CFTC)

[Downloaded from qjfep.ir on 2025-11-29]

[DOI: 10.61186/qjfep.11.41.197]

	ساختار مدیریتی	وظایف	اختیارات
سازمان مقررات‌گذاری صنعت مالی[1] دفتر تحقیقات مالی[2]	شرکت بیمه سپرده فدرال جهت امنیت و سلامت برخی مؤسسات مالی اقدام به بررسی و نظارت می‌نماید. صدور قوانین مربوط به اوراق بهادار و مقررات گذاری بر آن‌ها، مبادلات سهام و سایر فعالیت‌ها و سازمان‌های مرتبط با کمیسیون بورس اوراق بهادار است.	حصول اطمینان از یکپارچگی بازارهای آتی، محافظت شرکت-کنندگان در بازار در برابر دستکاری و تقلب، سوءاستفاده از روش‌های تجارتی و کلاهبرداری و حصول اطمینان از ثبات و یکپارچگی مالی در روند تسویه و نقل و انتقالات بانکی است. وظیفه دفتر تحقیقات مالی مدیریت داده‌ها و اطلاعات در صنعت مالی است.	
ژاپن آژانس نظارت مالی (FSA)[3]	نهاد مستقل زیرمجموعه کابینه وزارت دارایی (از طریق شورای مدیریت بحران) و بانک مرکزی (از طریق قراردادهای خصوصی با سپرده‌گذاران) در کنار FSA دارای نقش نظارتی هستند.	نظارت بر بانک‌ها، بیمه‌ها و بورس (بانک ژاپن نیز از طریق قراردادهای خصوصی خود با سپرده‌گذاران نقش نظارتی خود را ایفاء می‌کند). مسئولیت مبارزه با پولشویی با مرکز اطلاعات مالی ژاپن (JFIC)[4] است که از زیرمجموعه‌های FSA محسوب می‌شود.	برنامه‌ریزی سیاستی در سیستم مالی و اجرای آن تضمین ثبات سیستم مالی؛ حمایت از سپرده‌گذاران، بیمه‌گذاران و سرمایه‌گذاران اوراق بهادار و تسهیل تأمین سرمایه درخواست گزارش و دستورات اجرایی برای مؤسسات مالی درگیر ریسک اعتبار، ریسک بازار و ریسک نقدینگی FSA می‌تواند در خصوص مؤسسات دارای مشکل دستوراتی اجرایی صادر کند.

مأخذ: گروه ۳۰ (۲۰۰۸)[5]

1. Financial Industry Regulatory Authority (FINRA)
2. Office of Financial Research
3. Financial Supervisory Agency (FSA)
4. Japan Financial Intelligence Center
5. Group of Thirty, (2008) The structure of Financial Supervision, and http://www.bankofengland.co.uk.

[Downloaded from qjfep.ir on 2025-11-29]

[DOI: 10.61186/qjfep.11.41.197]

نظارت احتیاطی کلان

حصول اطمینان از سلامت کل مجموعه نظام مالی از مهم‌ترین هدف نظارت احتیاطی کلان است. از منظر نظارت کلان، عوامل ریسک می‌توانند به عنوان یک پدیده سیستمی به صورت درون‌زا شکل بگیرند. در این صورت، نظارت کلان بر ارتباط بین نهادهای مالی منفرد و بازارها و واکنش مشترک آن‌ها به عوامل ریسک اقتصادی تأکید دارد. به عبارت دیگر مقررات احتیاطی کلان برای حذف ریسک‌های سیستمی مالی و ارتقاء ثبات مالی سیستمی است. ریسک سیستمی به معنای احتمال سقوط ناگهانی در کل سیستم مالی است. این ریسک می‌تواند منجر به بی‌ثباتی و یا آشوب در بازارهای مالی گردد. موضوع مهم دیگر در بحث ریسک سیستمی، سرایت ریسک است که به معنای احتمال گسترش تغییرات مهم اقتصادی و مالی از یک کشور به یک کشور دیگر است. نمونه‌ای از ریسک‌های سیستمی عبارتند از:

- ریسک‌های مرتبط با ویژگی ساختاری بازار مالی مانند ارتباط بین مؤسسات
- ریسک‌های مرتبط با توزیع ریسک در بخش مالی
- سطوح غیرقابل تداوم افزایش تأمین مالی یا اعتبار از طریق دریافت وام

نظارت احتیاطی تا قبل از بروز بحران مالی اقتصاد جهانی در سال ۲۰۰۷ میلادی عمدتاً بر سلامت مؤسسات مالی به‌طور مجزا یا همان نظارت احتیاطی خرد معطوف بود و کمتر به خطراتی که کلیت یک بازار مالی را تهدید می‌کنند، توجه داشت. بحران مالی اقتصاد جهانی سال ۲۰۰۷ میلادی نشان داد که صرف نظارت احتیاطی بر بنگاه‌های درون یک بازار همه ریسک‌های موجود در آن بازار را پوشش نمی‌دهد و این خطر وجود دارد که یک بازار مالی با مشکلات و چالش‌هایی روبرو شود که از بازار مالی دیگر نشأت گرفته و یا اینکه ممکن است نابسامانی‌هایی در کل اقتصاد به وجود بیاید و یک یا همه بازارهای مالی را متأثر کند. لذا موضوع نظارت احتیاطی کلان در کنار نظارت احتیاطی خرد اهمیت پیدا کرد. هدف از نظارت احتیاطی در سطح کلان، کنترل تنش‌هایی است که می‌تواند کل پیکره اقتصاد و به‌ویژه بخش مالی آن را به مخاطره بیندازد و ثبات مالی را مخدوش سازد.

[Downloaded from qjfep.ir on 2025-11-29]

[DOI: 10.61186/qjfep.11.41.197]

یکی از ویژگی‌های نظارت احتیاطی کلان در نظر گرفتن ریسک‌های گوناگون در بازارهای مالی است. در نظارت احتیاطی کلان برخلاف نظارت احتیاطی خرد فقط به ریسک‌های خاص یک بازار توجه نمی‌شود و ریسک‌های حقیقی اقتصاد و ریسک‌های سایر بازارهای مالی نیز مورد توجه قرار می‌گیرند. در این نوع نظارت، به این واقعیت توجه می‌شود که در طول زمان بازارهای خدمات مالی (بورس، بانک و بیمه) با یکدیگر و با اقتصاد حقیقی ارتباط دارند و بر یکدیگر اثر می‌گذارند و در عین حال از یکدیگر اثر می‌پذیرند و علاوه بر این، از اقتصاد حقیقی نیز اثر می‌پذیرند و بر آن اثر می‌گذارند. لذا ریسک‌های اقتصاد واقعی بر اقتصاد مالی و بالعکس در این نوع نظارت مورد توجه قرار می‌گیرد.

نوع دوم ریسک که در نظارت احتیاطی کلان مورد توجه قرار می‌گیرد ریسک میان‌بخشی است. این ریسک برخلاف نوع اول ریسک، داخل نظام مالی است نه بین نظام مالی و اقتصاد حقیقی. این ریسک خود به سه دسته تقسیم می‌شود. دسته اول عبارت است از ریسک‌های تجمیعی که منظور از آن ریسک‌هایی است که از عملکرد دسته‌جمعی بخش‌های مختلف نظام مالی ایجاد می‌شود. مثلاً در بحران مالی سال ۲۰۰۷ میلادی بانک‌ها اقدام به اعطای وام‌های مسکن به کسانی می‌کردند که توانایی بازپرداخت آن را نداشتند. سپس این وام‌ها تبدیل به اوراق بهادار می‌شدند و مؤسسات رتبه‌بندی نیز آن اوراق را رتبه‌بندی می‌کردند و به سرمایه‌گذاران اطمینان می‌دادند آن اوراق، اوراق بهادار مطمئنی هستند و سوددهی خوبی خواهند داشت. در حالی که مشخص شد اوراق بهادار مزبور از سوددهی مورد انتظار برخوردار نیستند و در نهایت کل نظام مالی از این واقعیت صدمه دید. بحرانی که بدین ترتیب به وجود آمد، نتیجه عملکرد نادرست یک یا چند بانک نبود، بلکه به طور معمول عملکرد نادرست بانک‌ها، مؤسسات فعال در زمینه اوراق بهادار و مؤسسات رتبه‌بندی اوراق بهادار بود. به عبارت دیگر ریسکی که از عملکرد مجموعه این نهادها پدید آمده بود، موجب شکل‌گیری بحران شد. این نوع ریسک‌ها موضوع نظارت احتیاطی خرد نبوده و در نظارت احتیاطی کلان مورد توجه واقع می‌شوند.

[Downloaded from qjfep.ir on 2025-11-29]

[DOI: 10.61186/qjfep.11.41.197]

ریسک دیگر، ریسک شکست جمعی است. مقصود از شکست جمعی این است که به دلیل ارتباط متقابلی که بانک‌ها و بورس و بیمه با یکدیگر دارند، ورشکستگی و بحران مالی در یکی از آن‌ها ممکن است به دیگران نیز سرایت کند و آن‌ها را دچار مشکل سازد. این نوع ریسک نیز در نظارت‌های خرد و بخشی مورد توجه قرار نمی‌گرفت اما در نظارت احتیاطی کلان مورد توجه قرار می‌گیرد. آخرین ریسک عبارت است از ریسک کارکرد سیستمی؛ این نوع ریسک نیز به یک بانک یا مؤسسه اعتباری خاص محدود نمی‌شود و در بعد کلان وجود دارد. این ریسک هنگامی به وجود می‌آید که یک بانک یا مؤسسه اعتباری ورشکست می‌شود اما نقش آن در سیستم مالی آن‌قدر منحصربه‌فرد است که بانک یا مؤسسه اعتباری دیگری نمی‌تواند جای آن را در سیستم بانکی بگیرد. در چنین حالتی با ورشکستگی آن بانک کل سیستم بانکی دچار مشکل خواهد شد. بدیهی است در اینجا نیز ورشکستگی آن بانک یا مؤسسه مالی یک مسئله است و اثر آن بر سیستم یا نظام مالی مسئله‌ای دیگر. (مصطفی پور، ۱۳۹۵)

جدول ۲. چارچوب‌های نظارت و مقررات‌گذاری احتیاطی کلان در کشورهای منتخب

	ساختار مدیریتی	وظایف	اختیارات
انگلستان کمیته سیاست مالی (FPC)[1]	رئیس: رئیس بانک انگلستان ۱۰ عضو دارای حق رأی (۵ نفر از بانک انگلستان شامل رئیس مقررات احتیاطی، رئیس مقررات هدایت بازار، ۴ عضو دیگر خارج از بانک)، نماینده بدون رأی از خزانه‌داری جلسات فصلی	حمایت و تقویت انعطاف‌پذیری نظام مالی انگلستان حمایت از اهداف اقتصادی دولت شامل رشد و اشتغال منع اتخاذ اقدامات مختل‌کننده رشد میان‌مدت و بلندمدت	اختیارات راهبردی در خصوص اهرم‌های سرمایه خلاف سیکل تجاری و الزامات سرمایه بخشی قبول یا تفسیر پیشنهادهای مقررات‌گذاران احتیاطی و هدایت بازار توصیه به سایر نهادهای مرتبط ابزارهایی که مؤسسات مالی نمی‌توانند به‌طور منفرد بکار گیرند

1 - Financial policy Committee (FPC)

[Downloaded from qjfep.ir on 2025-11-29]

[DOI: 10.61186/qjfep.11.41.197]

ادامه جدول ۲. چارچوب‌های نظارت و مقررات‌گذاری احتیاطی کلان در کشورهای منتخب

	ساختار مدیریتی	وظایف	اختیارات
آمریکا شورای نظارت بر ثبات مالی (FSOC[1])	رئیس: رئیس خزانه‌داری ۱۰ عضو دارای حق رأی و ۵ عضو فاقد حق رأی از فدرال رزرو و نهادهای نظارتی حداقل یک جلسه در هر فصل	تشخیص و واکنش به عوامل تهدیدکننده ثبات مالی گسترش نظم و انضباط بازار، حذف عوامل تشدیدکننده انتظارات	توصیه به مقامات نظارتی برای بسط استانداردهای احتیاطی تعیین فعالیت‌های دارای اهمیت سیستمی نهادهای مالی غیربانکی و بازار مالی گزارش خلأهای مقرراتی به کنگره
ژاپن	ساختار مشخص و منسجمی برای نظارت احتیاطی کلان ندارد و وزارت دارایی و بانک مرکزی برای پیشگیری از ریسک سیستمی با یکدیگر همکاری دارند.	تعریف نشده	تعریف نشده

منبع:Aikman,Haldane and Kapadia,(2013)

هدایت کسب‌وکار

مقررات مربوط به هدایت کسب‌وکار نیز بر حمایت از مشتریان توجه دارد، اما بجای تمرکز بر حمایت از فعالان بازار در مقابل ناتوانی نهادهای مالی، بر محافظت از فعالان اقتصادی در مقابل اقدامات غیرمنصفانه تأکید می‌کند. نهادهای ناظر بر بازارهای مالی فعالان این بازارها را ملزم به رعایت استانداردهای رفتار اداری و درون‌سازمانی جهت حفظ منافع مشتریان و بهبود کیفیت و کمیت اطلاعات برای عموم می‌نمایند. این حمایت‌ها شامل رصد تضاد منافع احتمالی بین یک نهاد مالی و کارگزاران آن می‌شود. همچنین الزامات افشاء، موضوعات مربوط به رقابت و قواعد ضدپولشویی از موضوعات نظارتی مربوط به هدایت کسب‌وکار در بازارهای مالی می‌باشند.

1. Financial Stability Oversight Council (FSOC)

[Downloaded from qjfep.ir on 2025-11-29]

[DOI: 10.61186/qjfep.11.41.197]

خرید یا استفاده از خدمات مالی کاملاً با خرید کالاهای مصرفی متفاوت است و مشتری نمی‌تواند به‌سرعت از کیفیت خدمات دریافتی اطلاع حاصل کند و یا ارائه‌دهنده خدمت مورد نظر را عوض کند. خدمات مالی از قبیل وام‌های رهنی، بیمه‌های عمر و مستمری عموماً ماهیت بلندمدت دارند و بعضاً برای کل دوره زندگی فرد ارائه می‌شوند. ممکن است سال‌ها طول بکشد تا یک مشتری متوجه شود که خدمت مالی که دریافت می‌کرده دچار مشکل است. انتخاب اشتباه و نامناسب بیمه مستمری و یا وام رهنی می‌تواند نتایج فاجعه‌باری را در پی داشته باشد و منجر به گرفتاری در زمان پیری و یا بی‌خانمانی شود. با توجه به اینکه معمولاً خرید خدمت مالی به گونه‌ای نیست که استفاده‌کننده مدام در حال خرید و استفاده از آن باشد و در طول زندگی آن‌ها چند بار بیشتر اتفاق نمی‌افتد، دانش استفاده‌کننده از خدمت مالی با دانش و اطلاعات ارائه‌دهنده آن قابل مقایسه نیست. این امکان وجود دارد که به دلیل عدم تقارن در اطلاعات و فرصت‌ها بین فروشنده و خریدار خدمات مالی (به نفع فروشنده)، فروشنده‌ی خدمت مالی خریدار را فریب دهد و خریدار تصمیمی بگیرد که تنها به نفع فروشنده باشد. تضاد منافع و سوءاستفاده از اطلاعات نامتقارن شامل دریافت حق کمیسیون اضافه و سایر اضافه دریافتی‌ها و سوق دادن مشتری به انتخاب یک محصول بدون توجه به مناسب بودن یا نبودن آن نیز می‌شود. لذا لازم است که مقرراتی برای جلوگیری از این سوءاستفاده‌ها و زیان دیدن مشتریان تدوین و اعمال شود. از این رو، تمرکز بعد نظارتی هدایت کسب‌وکار در بازارهای مالی بر این است که با تعیین مقررات مناسب و پایش رفتار نهادهای مالی با مشتریان، مانع آسیب دیدن مشتریان و اختلال در عملکرد بازارها شود.

نظارت احتیاطی و سیاست‌های اقتصادی

لازمه حفظ ثبات مالی این است که نهاد احتیاطی کلان و ابزارهای مورد استفاده واقع‌بینانه عمل کنند. یک چارچوب مناسب باید فعل‌وانفعالات بین نظام مالی و اقتصاد واقعی را در نظر داشته باشد. بدین طریق می‌توان اطمینان داشت که ابزارهای خلاف چرخه تجاری طی دوره بحران مؤثر عمل نموده و مانع شکل‌گیری عدم تعادل‌های مالی می‌شوند. دستیابی به این اهداف نیازمند آن

[Downloaded from qjfep.ir on 2025-11-29]

[DOI: 10.61186/qjfep.11.41.197]

است که سیاست احتیاطی کلان در کنار سیاست احتیاطی خرد، سیاست پولی، سیاست ارزی و سیاست مالی یکدیگر را تکمیل نمایند.

تأثیرگذاری سیاست احتیاطی کلان هنگامی قوی‌تر خواهد بود که سیاست‌های احتیاطی خرد برای محدود کردن نابسامانی در مؤسسات مالی مجزا اعمال شوند. سیاست پولی با کاهش احتمال شکل‌گیری دوره‌های رونق-رکود در بازارهای اعتبار و سرمایه و در نتیجه کمک به تثبیت قیمت‌ها، فضای مناسبی را برای ثبات مالی ایجاد می‌کند. بانک مرکزی طی دوره رکود می‌تواند با اتخاذ تدابیری از قبیل کاهش نرخ‌های سیاستی و الزامات ذخیره‌ای به فراهم کردن نقدینگی و تسهیل پولی عملکرد بازارها و ارائه اعتبار را تنظیم کند. همچنین بانک مرکزی باید این آمادگی را داشته باشد که هنگام بازیابی اقتصاد و ثبات سیستم مالی نقش کمتری ایفاء کند. عدم خروج بانک مرکزی در زمان رونق می‌تواند موجب شکل‌گیری تورم و نوسان شدید در نرخ‌های بهره شود. سیاست‌های ارزی می‌تواند با هدف ثبات نرخ ارز و کاهش عدم تعادل‌های پولی[1] نوسانات جریان سرمایه را به عنوان یک منبع مهم ریسک ثبات مالی، به‌ویژه در کشورهای نوظهور، کاهش دهد. سیاست مالی نقش مهمی را در کنترل تقاضای کل ایفاء می‌کند. نسبت بالای بدهی به GDP و کسری بودجه قابل توجه می‌توانند دامنه اقدامات دولت را به‌ویژه در هنگام رکود محدود نموده و عدم ثبات مالی را تشدید کنند.

نهایتاً اینکه دولت برای فراهم کردن زمینه ثبات مالی باید در عوض سطح فعلی رشد اقتصادی، به رشد بلندمدت توجه داشته باشد. اهداف دولت در اغلب موارد توسط سیاست‌هایی پیگیری می‌شوند که به مؤسسات مالی اجازه داده می‌شود وارد فعالیت‌های دارای ریسک بالاتر و رقابت شدیدتر شوند. این امر موجب گسترش اعتبارات و کاهش ریسک می‌شود. در عین حال، اگر دولت سیاست‌های درستی اتخاذ نکند چنین شرایطی می‌تواند موجب شکل‌گیری عدم تعادل‌ها و تضعیف استانداردهای قرض‌دهی شوند. لذا نحوه ورود دولت در بازار با توجه به شرایط اقتصادی موجود از اهمیت زیادی برخوردار است.

1. currency mismatches

[Downloaded from qjfep.ir on 2025-11-29]

[DOI: 10.61186/qjfep.11.41.197]

باید این نکته را در نظر داشت که نظارت و رقابت ممکن است ذاتاً در تعارض با یکدیگر قرار داشته باشند. نظارت به مداخله در سیستم بازار منتهی می‌گردد و رقابت به بستری باز برای آزادی عمل نیازمند است. ممکن است تصور گردد که به نحوی این دو می‌توانند در کنار یکدیگر قرار گیرند و تعارضی بین آن‌ها وجود ندارد. اما موضوع در یک مفهوم کلی به میزان دخالت دولت یا نهادهای نماینده وی در بازار مربوط می‌گردد. دولت یا در بازار جهت اعمال نظارت مداخله می‌کند یا مداخله نکرده و بازار را به رقابت می‌سپارد. از این رو، درجه‌ای از دخالت دولت در بازار وجود دارد. در اینجا دخالت در مقابل رقابت در یک مفهوم کلی قرار داده شده است و رقابت در قیاس با انحصار قرار نگرفته است.

سؤال اصلی و مهمی که در این رابطه پس از طرح میزان بهینه دخالت دولت در بازار مطرح می‌شود این است که در چرخه‌های مختلف اقتصادی (رونق و رکود) چگونه باید نظارت صورت گیرد؟ مرز دخالت و نظارت کجاست؟ از ابزارها و متغیرهای نظارت به چه نحوی و چگونه استفاده شود؟

جدول ۳. چارچوب نظارت در چرخه‌های مختلف اقتصادی (رونق و رکود)

چرخه تجاری	اقدامات احتیاطی خرد	اقدامات احتیاطی کلان
رونق رشد قیمت دارایی‌ها، اعتبارات زیاد، ریسک بالاتر (اما محدودشده)، بازدهی بالا، خوش‌بینی بیش‌ازحد، استانداردهای ضمانتی پایین و اهرم‌بندی بسیار زیاد	عدم نیاز به مداخله (بانک‌ها سودآوری بالا دارند و می‌توانند سرمایه و نقدینگی را تنظیم کنند.) مداخله در استانداردهای پذیره‌نویسی جهت بررسی جزئیات بیشتر می‌تواند مناسب باشد.	ارائه علل ریسک سیستمی، تنظیم عدم تعادل‌های شدید و یا تقویت انعطاف-پذیری سیستم مالی افزایش ذخایر جبرانی نقدینگی
رکود نوع ۱(بدون بحران) کاهش در رشد اعتبارات، کاهش یا ثبات در قیمت دارایی‌ها، بازدهی پایین‌تر و عدم کاهش اعتماد	حفظ ثبات مؤسسات مالی تثبیت (یا افزایش انتخابی) نسبت‌های نقدینگی و سرمایه، محدودیت بر تقسیم سود و بررسی دقیق‌تر	ممانعت جدی از کاهش اهرم‌بندی مجوز ایجاد ذخایر جبرانی نقدینگی و سرمایه

[Downloaded from qjfep.ir on 2025-11-29]

[DOI: 10.61186/qjfep.11.41.197]

ادامه جدول ۳. چارچوب نظارت در چرخه‌های مختلف اقتصادی (رونق و رکود)

چرخه تجاری	اقدامات احتیاطی خرد	اقدامات احتیاطی کلان
رکود نوع ۲(زمان بحران) کاهش در اهرم‌بندی، افت قابل‌توجه در قیمت دارایی‌ها به علت حراج آن‌ها، زیان‌های بزرگ مالی و کاهش اعتماد	ایجاد مجدد اعتماد در مؤسسات افزایش نسبت‌های نقدینگی و سرمایه و بررسی دقیق‌تر و تحمل بیشتر	ایجاد مجدد اعتماد در سیستم مالی و جلوگیری از کاهش اهرم‌بندی کاهش ذخایر نقدینگی و سرمایه -در صورتی که کافی به نظر بیایند- یا افزایش آن‌ها در صورت عدم اعتماد
بازگشت اهرم‌بندی مجدد آگاهانه، رشد متوسطی در قیمت دارایی‌ها و اعتبارات	حمایت از نسبت‌های نقدینگی و سرمایه که در طول بحران بازسازی شده‌اند و در صورت نیاز افزایش آن‌ها	عدم نیاز به مداخله

منبع: Osinski,Seal and Hoogduin,(2013)

مدل‌های تنظیم و نظارت در بازارهای مالی

نگاهی اجمالی به تجربیات بین‌المللی نشان‌دهنده گستره وسیعی از ساختارهای نهادی است. برخی از کشورها سازمان واحدی برای نظارت احتیاطی تأسیس نموده‌اند در حالی که برخی دیگر، نهادهای نظارتی تخصصی مختلف را برای سیستم نظارتی و تنظیمی بازارهای مالی برگزیده‌اند. عواملی همچون تکامل تاریخی، ساختار نظام مالی، ساختار سیاسی و سنتی، اندازه کشور و بخش مالی موجب اتخاذ مدل‌های مختلف در نظام نظارتی کشورها شده است. در زیر به ۴ مدل اصلی نظارت و تنظیم نظام مالی که توسط کشورهای مختلف به اجرا درآمده است اشاره می‌شود:

- مدل نهادی[1] (معروف به مدل سیلو[2] یا عمودی)
- مدل متحد یا یکپارچه[3]
- مدل قله‌های دوقلو[4] یا مدل افقی
- مدل دورگه یا مبتنی بر وظیفه[1]

1. Institutional Model or Approach
2. Silo
3. Unified Model
4 -Twin Peaks

[Downloaded from qjfep.ir on 2025-11-29]

[DOI: 10.61186/qjfep.11.41.197]

مدل نهادی (مدل سیلو یا عمودی)

مدل نهادی یکی از اشکال کلاسیک تنظیم و نظارت مالی است. این مدل رویکردی بر مبنای نهادهای قانونی دارد. در این مدل، وضعیت قانونی یک سازمان تعیین‌کننده این است که کدام یک از تنظیم‌گران موظف به نظارت هم بر ایمنی و صحت شرکت و هم بر انجام کسب‌وکار آن است (به‌عنوان مثال، سازمانی که به‌عنوان بانک، یا یک شرکت کارگزاری و یا یک شرکت بیمه ثبت شده است، از سوی نهادهای قانونی مرتبط تنظیم و نظارت می‌شود). این وضعیت قانونی تعیین‌کننده حیطه مجاز فعالیت سازمان نیز است. هنگامی که سازمان قصد توسعه فعالیت خود در حوزه‌های دیگر را دارد، با ورود به حوزه‌ای که عامل ناظر متفاوت است، توسط آن تنظیم‌گر نیز مورد نظارت قرار خواهد گرفت.

مدل متحد یا یکپارچه[۲]

این مدل که پیش از بحران مالی اخیر مورد توجه بسیاری از کشورها (بخصوص انگلیس) قرار گرفته بود، بر تحت نظارت قرار گرفتن تمام حوزه‌های مالی، ذیل یک نهاد واحد تأکید می‌ورزد. این نهاد ناظر هم نظارت احتیاطی بر شرکت‌ها را انجام می‌دهد و هم بر رویه‌های اجرایی کسب‌وکار نظارت می‌نماید.

مدل قله‌های دوقلو یا افقی

این مدل برای بهره‌گیری از تمام مزایا و کارایی‌های مدل متحد طراحی گردیده است و در عین حال تضاد ذاتی قوانین و مقررات مرتبط با صحت و ایمنی مؤسسه، حمایت از سرمایه‌گذاران و شفافیت را مدنظر قرار می‌دهد. این مدل را رهیافت «تنظیم بر اساس اهداف عینی» نیز نامیده‌اند. اهداف نظارتی یک سازمان می‌تواند نظارت احتیاطی با هدف ابتدایی ایمنی و صحت مؤسسات باشد، در حالی که سازمان دیگری ممکن است در ابتدا بر انجام کسب‌وکار و حمایت از

1. Hybrid or Functional

۲. در متون انگلیسی از دو واژه متحد (Unified) و یکپارچه (Integrated) برای این مدل استفاده شده است.

[Downloaded from qjfep.ir on 2025-11-29]

[DOI: 10.61186/qjfep.11.41.197]

سرمایه‌گذاران متمرکز باشد. این مدل، مرز بین نظارت‌های احتیاطی را از رویکرد مشتری مداری مجزا می‌سازد. در این مدل، به‌منظور عدم بروز تضاد منافع بین اهداف ابتدایی که در بالا ذکر گردید، دو نهاد نظارتی مجزا مشخص می‌گردند. نهادی که نظارت احتیاطی انجام می‌دهد و نهادی که بر رویه‌های اجرایی کسب‌وکار نظارت می‌نماید. بدین ترتیب می‌توان اطمینان حاصل کرد که تمام اهدافی که در ابتدای بحث به آن‌ها اشاره شد در اولویت کاری دو نهاد ناظر قرار خواهند گرفت. علاوه بر این، هریک از نهادهای ناظر قادر خواهند بود تا نیروهای متخصص در حوزه مرتبط را به خدمت گیرند. بنابراین، نظارت تخصصی به‌صورت مجزا (بر اساس هدف) صورت می‌گیرد. این مدل در سال‌های اخیر طرفداران بسیاری را به خود جلب نموده به‌طوری‌که کشورهای بسیاری ازجمله ایالات متحده برنامه‌ای بلندمدت برای تغییر نظام نظارتی خود و هم‌راستا کردن آن با این مدل اتخاذ نموده‌اند. انگلیس نیز یکی از کشورهای اصلی است که پس از بحران نظام نظارتی خود را دستخوش تغییر قرار داده و با انحلال FSA[1]، این مدل را از سال ۲۰۱۳ اجرایی نموده است. (مصطفی‌پور، ۱۳۹۵)

مدل دورگه یا مبتنی بر وظیفه

برخلاف مدل نهادی که بر وضعیت قانونی شرکت‌ها متمرکز است، این مدل بر فعالیت‌های هر شرکت متمرکز است. بر این اساس، فعالیت شرکت است که تحت نظارت قرار می‌گیرد نه خود شرکت یا بنگاه اقتصادی. مزیت این روش آن است که در هر فعالیتی یک نهاد ناظر وجود دارد که فعالیت شرکت را مورد بررسی و نظارت قرار دهد. اما این مدل چالش‌های متعددی دارد. به‌عنوان‌مثال، مشخص کردن اینکه کدام فعالیت در حوزه اختیارات کدام نهاد ناظر قرار می‌گیرد، کار دشواری است. از دیگر چالش‌های این مدل آن است که با ابداع یک محصول مالی جدید، مشخص کردن تنظیم‌کننده آن بسیار دشوار خواهد بود. این معضل در مشکلی که بین کمیسیون

1. Financial Services Authority

[Downloaded from qjfep.ir on 2025-11-29]

[DOI: 10.61186/qjfep.11.41.197]

بورس و اوراق بهادار آمریکا (SEC[1]) و کمیسیون معاملات آتی‌های کالایی (CFTC[2]) رخ داد قابل مشاهده است؛ به‌طوری‌که با ورود اوراق تاخت به‌خصوص تاخت نکول اعتباری به بازار (که در بازار خارج از بورس (OTC[3]) مورد معامله قرار می‌گیرند) هیچ‌یک حاضر به تنظیم این اوراق نشده و تا بحران مالی در سال‌های اخیر این اوراق تنظیم و نظارت نمی‌شدند.

از چالش‌های دیگر این مدل آن است که شرکت‌ها ملزم هستند با تنظیم‌گران متعددی سروکار داشته باشند. این امر کار را برای تعامل شرکت‌ها با نهادهای نظارتی مشکل ساخته است. علاوه بر این، شرکت‌ها ملزمند تا گزارش‌های مشابه و متعددی به نهادهای نظارتی مختلف ارائه نمایند. از مسائل دیگری که در این حوزه مهم می‌نماید آن است که هیچ نهاد نظارتی اطلاعات کامل و کافی در خصوص کل فعالیت‌های شرکت در اختیار ندارد. چالش‌هایی که مطرح گردید برخی از چالش‌هایی است که در این مدل وجود دارد؛ لذا شاید بتوان اظهار داشت تنها کشوری که از این مدل استفاده می‌نماید، ایالات متحده است.

کارشناسان بر این عقیده‌اند که لازمه استفاده از این مدل هماهنگی و همکاری بسیار زیاد نهادهای نظارتی با یکدیگر است. در این مدل نهادهای نظارتی باید اطلاعات خود را با یکدیگر به اشتراک گذارند تا از انجام دوباره‌کاری جلوگیری شده و اطلاعات یکپارچه‌ای تولید گردد.

نکته مهم این است که مدل‌های فوق‌الذکر مربوط به ساختار نظارتی کلان بازارهای مالی بوده که شامل بازار پول و سرمایه است ولیکن در این تحقیق سعی می‌شود که مدل‌های نظارت بر نهادهای مالی که عمدتاً در بازار سرمایه فعالیت دارند پرداخته شود ازاین‌رو یکی از مهم‌ترین مدل‌های نظارتی جهت نظارت بر نهادهای مالی مدل نظارت با رویکرد مبتنی بر ریسک است که به آن خواهیم پرداخت. (مصطفی‌پور، ۱۳۹۵)

1. Securities and Exchange Commission
2. Commodity Futures Trading Commission
3. Over-the-counter

[Downloaded from qjfep.ir on 2025-11-29]

[DOI: 10.61186/qjfep.11.41.197]

معرفی مدل نظارت مبتنی بر ریسک و مدل مبتنی بر مقررات

نظارت مبتنی بر ریسک به یک رویکرد ساختاری که بر روی شناسایی ریسک‌های بالقوه که شرکت‌ها با آن مواجه می‌شوند و ارزیابی عوامل عملیاتی و مالی که برای کاهش این ریسک‌ها بکار برده می‌شود، گفته می‌شود (IOPS.2012).

در تعریفی دیگر به شناسایی، ارزیابی و نظارت بر نهادهای دارای مجوز کسب‌وکار از طریق بازرسی حضوری[1] و غیرحضوری[2] و پیگیری شکایات و گزارش خودکار تخلفات گفته می‌شود (capital markets report Tanzania,2017). کلید نظارت مبتنی بر ریسک، شناسایی مشکلاتی که قرار است در آینده روی دهد و نه فقط نگاه به جایی که در گذشته اتفاق افتاده است. مقررات فعلی الزامات نظارتی گرچه لازم بوده ولیکن برای تهیه مستنداتی دال بر اینکه از ریسک‌ها جلوگیری شده یا زیر سطح رضایت رسیده کافی نیست. (IOSCO,2009). (نجفی، ۱۳۹۷)

جدول ۴ مقایسه بین رویکرد نظارت مبتنی بر ریسک و نظارت سنتی (مبتنی بر مقررات)

رویکرد سنتی (مبتنی بر مقررات)	رویکرد مبتنی بر ریسک
آزمون مبتنی بر معاملات ارزیابی در نقطه‌ای از زمان رویه‌های استاندارد عملکرد تاریخی تمرکز روی اجتناب از ریسک	فرآیند محور ارزیابی مستمر رویه بر اساس پروفایل ریسک شاخص‌های آینده‌نگر تمرکز روی کاهش ریسک

منبع: بانک تسویه بین‌المللی،۲۰۰۶

رویکرد مبتنی بر ریسک موجب ترغیب نهادهای مالی جهت مدیریت ریسکشان می‌شود. نهاد ناظر باید بر اساس نتایج ارزیابی‌ها، قضاوت کند که کجا و چگونه کارهای نظارتی را اولویت‌بندی کند (IOSCO,2009).

1. Onsite inspections
2. Off site monitoring

[Downloaded from qjfep.ir on 2025-11-29]

[DOI: 10.61186/qjfep.11.41.197]

اجزای اصلی نظارت مبتنی بر ریسک (مطابق اصول ایسکو)

همه نهادهای نظارتی سعی بر آن دارند تا ریسک‌های متعدد را شناسایی کنند ولیکن متغیرهای متعددی در خصوص نحوه اجرای نظارت وجود دارد ولیکن برخی از مهم‌ترین عوامل نظارت مبتنی بر ریسک که در حوزه جغرافیایی متعدد دیده شده است شامل موارد زیر می‌شود:

۱. معیار اخذ مجوز[1]
۲. قوانین دولتی
۳. مقررات سرمایه‌گذاری
۴. حسابرسی خارجی/ بیمه/ تضامین
۵. الزامات افشاء
۶. کفایت سرمایه
۷. شرایط انحلال یا تصفیه[2]
۸. تنبیهات

چارچوب مدیریت ریسک

در اکثر مدل‌های مبتنی بر ریسک، سازمان‌ها ملزم به حفظ حداقل چارچوب برای سیستم مدیریت ریسک می‌باشند. مانند:

الف- حداقل الزامات ثبت

ب- مدل‌های ریسک برای شناسایی، کمی‌سازی و کنترل ریسک

ج- اندازه‌گیری نوسانات سبد سهام

د- الزامات تست حساسیت

هـ- ارزیابی ریسک مدل

1 -Licensing Criteria
2 -Winding up provisions

[Downloaded from qjfep.ir on 2025-11-29]

[DOI: 10.61186/qjfep.11.41.197]

و- بررسی کلیه ریسک‌ها در فواصل منظم

ز- معیارهای کاهش ریسک احتمالی

ح- سیستم کنترل داخلی

ط- الزامات امنیتی سیستم

ک- محرمانگی اطلاعات

ل- نقش استقلال حسابرسان

م- رویه و فرهنگ پیروی از قانون (تطبیق)

آینده ریسک و تطبیق مقررات

در سال‌های اخیر شاهد رشد روزافزون پلتفرم‌های جدید مالی در تمامی حوزه‌ها ازجمله پرداخت، وام‌دهی، تجارت، مدیریت مالی و موارد دیگر بوده‌ایم که بخش زیادی از این راه‌حل‌های نوآورانه توسط شرکت‌های نوین فناوری مالی (فین تک)[1] ارائه می‌شوند. ظهور زیست‌بوم[2] فین تک مدل‌های سنتی خدمات مالی اخیر را به‌طور جدی تحت تأثیر خود قرار داده است. تا آنجا که در حال حاضر راه‌کارهای ارائه شده توسط شرکت‌های فین‌تک از قبیل «آندک کاپیتال»[3]، «لندینگ کلاب»[4]، «موون»[5] و «آی زتل»[6] جایگزین برخی از خدمات سنتی بانکی شده و به بهبود توانایی‌های کسب‌وکارهای مشتریان منجر شده است.

علاوه بر این ظهور نسل جدیدی از شرکت‌های فین‌تک با عنوان «فناوری نظارتی (رگ تک)»[7] بوده‌ایم. شرکت‌های فن‌آوری نظارتی از قابلیت‌های نوآورانه و پایدار فناوری و نیز دانش فنی در زمینه تطبیق مقررات، برای پاسخگویی به نیازهای نظارتی مؤسسات مالی استفاده می‌کنند،

1. Fintech: Financial Technology
2. Ecosystem
3. Ondeck Capital
4. Lending Clup
5. Moven
6. Izettle
7. Reg tech: regulator of technology

[Downloaded from qjfep.ir on 2025-11-29]

[DOI: 10.61186/qjfep.11.41.197]

کار اصلی این شرکت‌ها خودکارسازی فرآیندهای دستی تطبیق مقررات، بهبود قابلیت‌های گزارش‌دهی در زمینه تطبیق مقررات، ارتقای کیفیت داده، فراهم ساختن داشبوردهای جامع داده‌ای و تجزیه‌وتحلیل نظام‌مند داده‌ها است.

صنعت خدمات مالی به‌سرعت در حال مواجهه با رشد ترجیحات مشتریان، رقابت با مدل‌های جدید در کسب‌وکار، مقررات پیچیده و بی‌ثباتی اقتصاد کلان است. بر این اساس فناوری‌های جدید، فین‌تک‌ها و رگ‌تک‌ها موضوعات ارزشمندی هستند که بانک‌ها در بخش‌های ریسک و تطبیق مقررات خود در آینده به آن‌ها نیاز خواهند داشت. بر اساس مطالعه یک مؤسسه مشاوره مدیریت مالی آینده عملیات ریسک و تطبیق مقررات متأثر از روندهای زیر خواهند بود.

- گسترش ارتباطات از طریق اینترنت، تلفن همراه و رسانه‌های اجتماعی، به‌سرعت در حال تغییر ترجیحات مشتریان است. این موضوع مؤسسات مالی را مجبور خواهد کرد که در مورد اعتبارسنجی مشتریان جدید، به‌سرعت تصمیم‌گیری کنند.
- مقررات پیچیده و در حال تغییر مداوم، هزینه‌های سربار و بالاسری را افزایش می‌دهد و هم‌زمان باعث افزایش اتکاپذیری کسب‌وکارها می‌شود.
- اعتماد به مؤسسات مالی کاهش می‌یابد.
- ارتقای رفتار و فرهنگ درست و حفاظت از مصرف‌کنندگان اهمیت پیدا می‌کند.
- رشد جهانی کاهش می‌یابد و بی‌ثباتی در اقتصاد کلان رخ می‌دهد.
- انفجار اطلاعات و رشد فناوری جدید پیشامدی اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. (حکمت، ۱۳۹۶)

[Downloaded from qjfep.ir on 2025-11-29]

[DOI: 10.61186/qjfep.11.41.197]

عوامل مؤثر بر ریسک و بازده سرمایه‌گذاری در محصولات مالی و طبقات ریسک در بانک‌ها

عوامل مؤثر بر ریسک و بازده سرمایه‌گذاری در محصولات مالی به سه دسته کلی به شرح جدول شماره (۵) تقسیم می‌شود (ابزری، ۱۳۸۶).

جدول ۵ عوامل مؤثر بر ریسک و بازده سرمایه‌گذاری

عوامل کلان	عوامل خرد	عوامل غیراقتصادی
سیاست‌ها و خطی مشی‌های دولت عوامل فرهنگی و اجتماعی وضعیت صنعت شرایط اقتصادی و دوره‌های تجاری و مالی	میزان تقاضا و کشش کالای تولیدی بنگاه سیاست‌ها و خط‌مشی‌های مدیریت شامل استراتژی‌های محافظه‌کارانه و استراتژی‌های جسورانه وضعیت مالی و حساب‌های شرکت	تمایل به ریسک ادراک ریسک نرخ بازده مورد انتظار تجربه و دانش سرمایه‌گذاری سرمایه‌گذاران بازده تاریخی و اطلاعات گذشته

همچنین طبقات ریسک موجود در بانک‌ها به شرح جدول زیر است: (ون گرونیگ[1]، ۲۰۲۰)

جدول ۶ طبقات ریسک بانکی

ریسک‌های محیطی[2]	ریسک‌های عملیاتی[3]	ریسک‌های مالی[4]
ریسک‌های سیاسی و کشوری	تقلب داخلی	ساختار ترازنامه
رویه‌های اقتصاد کلان	تقلب خارجی	ساختار سود و زیان
ریسک‌های بنیادی بخش مالی	ایمنی محل کار و شغل	کفایت سرمایه[5]
قانونی و مقررات گذاری	مشتریان، محصول و خدمات بنگاه	اعتباری
سرایت بحران‌های بانکی	آسیب‌دیدگی دارایی‌های فیزیکی	نقدینگی
ریسک شهرت[6]	ریسک تکنولوژی و خطاهای سیستمی[7]	بازار

1. Van Greuning
2. Enviromental risks
3. Operational risks
4. Financial risks
5. Capital adequacy
6. Reputational risk
7. System failures

[Downloaded from qjfep.ir on 2025-11-29]

[DOI: 10.61186/qjfep.11.41.197]

ادامه جدول ۶ طبقات ریسک بانکی

ریسک‌های محیطی	ریسک‌های عملیاتی	ریسک‌های مالی
ریسک استراتژیک	ریسک فرآیندهای مدیریت	نرخ بهره
ریسک پولشویی[1]	ریسک برون‌سپاری کارکردهای اساسی	نرخ ارز
ریسک اعمال مجرمانه	رهبری بازار و کسب‌وکار	
	کیفیت اطلاعات	

منبع: بانک جهانی ۲۰۲۰

۳. پیشینه پژوهش

بر اساس تحقیقی که در دفتر تحقیقات و سیاست‌های پولی و بازرگانی معاونت اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی در سال ۱۳۹۵ توسط مصطفی‌پور و همکاران با عنوان «بررسی ساختار مقررات‌گذاری و نظارت بر بازارهای مالی و ارائه پیشنهادها» انجام شد، ضمن توجه به دخالت دولت‌ها در مواقع شکست بازار از طریق مقررات‌گذاری، در یک تقسیم‌بندی، سیستم‌های نظارت بر بازارهای مالی را به چهار دسته نهادی، کارکردی، یکپارچه و دوقله‌ای تقسیم نموده و به‌کارگیری هریک از مدل‌ها را وابسته به ساختار و تحولات هر کشور دانست. همچنین نظارت بر بازارهای مالی در دو گروه کلی نظارت احتیاطی (شامل نظارت احتیاطی خرد و نظارت احتیاطی کلان) و هدایت کسب‌وکار (حمایت از مشتریان) تقسیم شده است. در ادامه به مطالعه تطبیقی مدل‌های نظارتی به‌کاررفته در کشورهایی نظیر آمریکا، انگلستان، کانادا، استرالیا، چین، فرانسه، اسپانیا، ژاپن، آلمان و هلند پرداخته و ضمن توجه به نقش بانک‌های مرکزی در اعمال نظارت به چالش‌ها و مشکلات موجود در نظام مقررات‌گذاری و نظارت مالی در ایران پرداخته است.

عطاطلب و نیاکان در تحقیقی که در سال ۱۳۹۸ با عنوان «ارزیابی و نظارت ریسک محور بر شرکت‌های بیمه» انجام دادند، فرآیند ارزیابی ریسک در شرکت‌های بیمه در نظام مبتنی بر ریسک و نحوه نظارت را معرفی کردند؛ یافته‌های حاصل از تحقیق ایشان بیانگر این است که توجه به اصول اساسی انجمن بین‌المللی ناظران بیمه، از جمله تهیه گزارش‌های مدیریت ریسک،

1. Money laundering risk

[Downloaded from qjfep.ir on 2025-11-29]

[DOI: 10.61186/qjfep.11.41.197]

گزارش‌های اکچوئری و رتبه‌بندی شرکت‌های بیمه از الزامات پیاده‌سازی رویکرد مبتنی بر ریسک است.

نجفی و همکاران در تحقیقی با عنوان «ارائه الگوی نظارت بر نهادهای مالی در بازار سرمایه ایران با رویکرد مبتنی بر ریسک»، ضمن بررسی مبانی نظری، عوامل مؤثر بر موضوع نظارت در نهادهای مالی را به سه گروه اصلی، شامل شناسایی ریسک، ارزیابی ریسک و رویکرد نظارتی تقسیم کردند. نتایج تحقیق مذکور نشانگر این است که شناسایی ریسک رابطه مثبت و معنی‌داری با ارزیابی ریسک و رویکرد نظارتی دارد و ارزیابی ریسک و رویکرد نظارتی نیز رابطه مثبت و معنی‌داری با نتایج و خروجی نظارت دارد. از این رو عواملی چون شناسایی ریسک، ارزیابی ریسک و رویکرد نظارتی و نتایج و خروجی نظارت در نظارت بر نهادهای مالی اثرگذار است.

در تحقیق دیگری با عنوان «نظارت مبتنی بر ریسک در صنعت بیمه» توسط ماجد و نورالدینی که در سال ۱۳۹۲ انجام شده است ضمن توجه به تغییرات رخ‌داده در صنعت بیمه و حرکت از سیستم‌های نظارت سنتی به نظارت رویکرد مبتنی بر ریسک، برای مدل نظارت مبتنی بر ریسک دو سطح معرفی شده است. اولین سطح تنظیمی (مقرراتی) است که پارامترهایی ازجمله نیازهای سرمایه‌ای و مقررات مرتبط با حسابداری و ارزیابی دارایی‌ها و بدهی را شامل می‌شود؛ در سطح دوم به اقدامات نظارتی توسط نهاد ناظر پرداخته می‌شود و به ارزیابی اختصاصی ریسک‌های بیمه‌گرها و مدیریت ریسک توسط شرکت‌های بیمه تمرکز دارد.

یزدان پناه و خلیل زاده در تحقیق دیگری با عنوان «نظارت مبتنی بر ریسک در صنعت بیمه یک چارچوب مفهومی» در سال ۱۳۹۲ ضمن توجه به اهداف انجمن بین‌المللی ناظران بیمه در حمایت از حق و حقوق بیمه‌گذاران از طریق اعمال نظارت مؤثر، چارچوب نظارت مبتنی بر ریسک در صنعت بیمه را شامل مجموعه‌ای از اصول استانداردها و رهنمودهای تئوریک با موضوعات مرتبط به کفایت سرمایه،ماتریس ریسک و نردبان نظارت قلمداد نمود.

در پژوهش دیگری که توسط اداره نظارت بر بانک‌ها و مؤسسات اعتباری بانک مرکزی ج.ا.ا در سال ۱۳۹۳، با عنوان «مدل نظارتی بانک مرکزی اسپانیا» ارائه شده است؛ فرآیندها، اهداف،

[Downloaded from qjfep.ir on 2025-11-29]

[DOI: 10.61186/qjfep.11.41.197]

حدود ارزیابی ریسک‌ها و روش‌های متداول نظارتی آن بانک تبیین شده است. هدف بانک مرکزی اسپانیا از اعمال نظارت ارتقاء سلامت و ثبات مالی در شبکه بانکی عنوان شده است. مدل مورد استفاده به‌دنبال افزایش اثربخشی و کارایی کارکردهای نظارتی توسط بانک مرکزی از طریق تعریف سرمایه کافی در بانک‌ها، ارائه گزارش‌های دوره‌ای منظم و بهنگام، استقرار فرآیند نظارتی پویا با رویکرد پیشگیرانه جهت جلوگیری از بروز وضعیت‌های بحرانی است. هدف مدل نظارتی معرفی شده ترسیم دورنمای ریسک نظارتی با استفاده از تجزیه‌وتحلیل کمی و ارزیابی‌های کیفی اطلاعات عنوان شده است.

در تحقیق دیگری با عنوان «نظارت مبتنی بر ریسک در بانکداری اسلامی» که توسط بانک مرکزی عربستان سعودی صورت پذیرفت، عملکرد نظارت مبتنی بر ریسک در دو مؤلفه مقررات‌گذاری و فعالیت‌های نظارتی در بانک‌های اسلامی در قیاس با بانک‌های فعال مبتنی بر بانکداری متعارف مقایسه گردید. نتایج تحقیق انجام شده بیانگر این است که کلیه ریسک‌های متوجه بانک‌های با رویکرد متعارف متوجه بانک‌های اسلامی است و در بانکداری اسلامی علاوه بر ریسک‌های بانکداری متعارف ریسک‌های اضافی ازجمله عدم انطباق شرعی عملکرد بانک، ریسک نرخ بازده و ریسک تجاری نیز در نظر گرفته شده و در محاسبات تعیین ریسک نهایی لحاظ می‌شود.

گرمی تامسون[1] در تحقیقی که در سال ۲۰۰۸ با عنوان «نظارت مبتنی بر ریسک در صندوق‌های بازنشستگی استرالیا» انجام شده، توسعه نظارت مبتنی بر ریسک در صندوق‌های بازنشستگی در کشور استرالیا را مورد بررسی قرار داد. در این تحقیق، شروع رویکرد ریسک محور در صندوق‌های بازنشستگی از سوی نهاد ناظر در سال ۱۹۹۰ ذکر شده است. در ادامه با هدف رتبه‌بندی صندوق‌های بازنشستگی، یک مدل نظارت پیچیده مبتنی بر ریسک در سال ۱۹۹۲ معرفی گردید. برای ارائه مدل مذکور چهار دلیل عنوان شد:

1. Greme Thompson

[Downloaded from qjfep.ir on 2025-11-29]

[DOI: 10.61186/qjfep.11.41.197]

۱. ایجاد یک ناظر یکپارچه با استفاده از تکنیک‌های موجود در صنایع بانکداری و بیمه با هدف بهبود عملکرد نظارت.
۲. ضرورت استفاده بهتر از منابع نظارتی موجود.
۳. ورشکستگی و بروز بحران در تعدادی از صندوق‌های بازنشستگی.
۴. وجود نگرانی در مورد ضعف‌های صنعت صندوق‌های بازنشستگی.

در نهایت، این پژوهش با توصیه به استفاده از تکنیک‌های رایج در صنعت بانکداری، در صندوق‌های بازنشستگی، ازجمله شناسایی و ارزیابی ریسک، رعایت الزامات مدیریت ریسک، استفاده از سازوکارهای نظارت مذکور در صندوق‌های بازنشستگی را باعث ارتقاء اثربخشی نظارت در صندوق‌های بازنشستگی دانست.

در تحقیق دیگری با عنوان «مقررات‌گذاری و نظارت بانکی ده سال بعد از بحران مالی جهانی» توسط دنیز آنگینر[1] و همکاران در سال ۲۰۱۹، خلاصه‌ای از آخرین به‌روزرسانی بانک جهانی در خصوص الزامات مقررات‌گذاری و نظارت، مورد بحث قرار گرفته است. در تحقیق مذکور،پس از بحث در خصوص الزامات کفایت سرمایه در بانک‌ها به سرمایه‌گذاری بانک‌ها و انضباط بازار پرداخته شده است. بر اساس این مطالعه عنوان می‌شود که الزامات مربوط به کفایت سرمایه پس از وقوع بحران مالی جهانی افزایش یافته است، همچنین اعمال نظارت توسط نهاد ناظر در دوره پس از بحران مالی جهانی در قیاس با قبل افزایش یافته است که نشان از اهمیت مقوله نظارت و اثرگذاری آن در پیش‌گیری از بروز بحران است.

جوزف چارلس مومانی[2] در سال ۲۰۰۶ در تحقیق خود به اثرات مدل نظارت با رویکرد مبتنی بر ریسک پذیرفته‌شده توسط بانک مرکزی کنیا و چالش‌های تجربه‌شده طی دوره اجرای آن پرداخته است. نتیجه تحقیق وی نشان داد که الگوی نظارت با رویکرد مبتنی بر ریسک از یک سو باعث کاهش در تعداد روزهای بازرسی بانک‌های تجاری و تعداد کارکنان بازرسی و از سوی

1. Deniz Anginer
2. Joseph chorles Momany

[Downloaded from qjfep.ir on 2025-11-29]
[DOI: 10.61186/qjfep.11.41.197]

دیگر افزایش هزینه‌های آموزش نظارت شده است. درنهایت یافته‌های تحقیق نشانگر کاهش هزینه‌های دولت کنیا به‌واسطه اجرای الگوی مذکور است.

در تحقیق دیگری که توسط لیلیان چبت میسوی[1] در مورد اثرات الگوی نظارت مبتنی بر ریسک پذیرفته‌شده توسط بازار سرمایه کنیا صورت پذیرفت، با استفاده از روش تحقیق توصیفی تأثیر مدل از جنبه‌های مختلفی ازجمله پروفایل ریسک، حاکمیت شرکتی و بازرسی مورد بررسی قرار گرفت. نتایج تحقیق حاکی از آن است که تعداد روز و کارکنان مورد نیاز برای بازرسی با نظارت مبتنی بر ریسک همبستگی مثبت دارد.

٤. روش‌شناسی پژوهش

تحقیق حاضر از نظر هدف یک تحقیق کاربردی محسوب می‌شود و با توجه به این موضوع که با داده‌های کیفی سروکار دارد در طبقه‌بندی تحقیقات کیفی قرار می‌گیرد. در این تحقیق با استفاده از نظریه داده بنیادی و از طریق جمع‌آوری سیستماتیک داده‌های تجربی و تجزیه‌وتحلیل آن‌ها، مفاهیم و مؤلفه‌های مربوط به مدل کشف و توسعه داده شد. در این راستا و به‌منظور اجرای مراحل نظریه داده بنیاد از طریق مصاحبه حضوری، ده نفر از خبرگان، صاحب‌نظران و مدیران ارشد حوزه بانکی (بانک مرکزی و شبکه بانکی) و اساتید دانشگاه انتخاب و با ایشان مصاحبه شد. انتخاب شرکت‌کنندگان در پژوهش، مبتنی بر برخورداری از تخصص لازم و علاقه‌مندی به شرکت در فرآیند مصاحبه صورت گرفت. در این ارتباط، اطلاعات جمعیت شناختی خبرگان و صاحب‌نظران شرکت‌کننده در مصاحبه به شرح جدول شماره (۴) زیر است (شایان ذکر است اساتید و مدرسین دانشگاه مندرج در جدول زیر هم‌زمان از مدیران بانک مرکزی می‌باشند)؛ همچنین به‌منظور رعایت ویژگی‌های کیفی پژوهش از سه معیار قابل قبول بودن، تأییدپذیری و قابلیت اطمینان استفاده شد در مورد معیار قابل قبول بودن تأیید درستی یافته‌ها، رونوشت‌های مصاحبه و گزارش پژوهش برای تعدادی از شرکت‌کنندگان (۶ نفر) ارسال شده تا نظرات خود را در خصوص

1. Lilian Chebet Misoi

[Downloaded from qjfep.ir on 2025-11-29]

[DOI: 10.61186/qjfep.11.41.197]

سؤالات مصاحبه بیان کنند. با توجه به نظرات این شرکت‌کنندگان، سؤالات مورد بررسی و بازبینی نهایی قرار گرفت. به‌منظور تضمین قابلیت اطمینان یافته‌ها تلاش شد تا فرآیندها و تصمیم‌های مربوط به پژوهش به‌طور مستند و واضح در متن پژوهش تشریح شود. درنهایت، در مورد معیار تأثیرپذیری نتایج، یافته‌ها با پیشینه پژوهش مقایسه شد و با استفاده به بحث‌های نظری در تبیین آن‌ها اقدام شد.

جدول ۷. اطلاعات جمعیت شناختی خبرگان و صاحب‌نظران شرکت‌کننده در مصاحبه

ویژگی	گروه‌ها	تعداد
سن	۳۰ تا ۴۰ سال	۱
	۴۰ تا ۵۰ سال	۲
	بالای ۵۰ سال	۷
سابقه شغلی و حرفه	مدیر ارشد شبکه بانکی	۲
	مدیر ارشد بانک مرکزی	۲
	مدیر ارشد بانک مرکزی و شبکه بانکی	۶
	اساتید و مدرسین دانشگاه	۴
تحصیلات	دکتری	۷
	فوق‌لیسانس	۳
سابقه خدمت	۱۰ تا ۲۰ سال	۱
	۲۰ تا ۳۰ سال	۳
	بالای ۳۰ سال	۶

رویکرد حاکم بر نظریه داده بنیاد توسط کلیزر و استراوس[1] (۱۹۶۵) مطرح شد و هدف آن تقویت مطالعات کیفی و ارائه راهکارهایی برای کاهش سیطره کمی گرایی متداول در علوم اجتماعی عنوان شد. استقراء، محور اصلی در نظریه‌پردازی داده‌بنیاد است، در این رویکرد تحلیل کیفی مقدم بر تحلیل کمی و تولید نظریه مقدم بر آزمون در نظر گرفته می‌شود. روش مذکور این فرصت را ایجاد می‌کند که پدیده‌های پیچیده‌ای که توسط مدل‌های کمی قابل بررسی نیستند مورد مطالعه قرار گیرند. (خدابنده لو و همکاران، ۱۳۹۶)

1. Kliser and Straus

[Downloaded from qjfep.ir on 2025-11-29]

[DOI: 10.61186/qjfep.11.41.197]

همچنین پاول[1] می‌گوید: «نظریه داده بنیاد روشی است که نظریه‌ها، مفاهیم زمینه‌ها و قضایا را طی یک فرآیند منظم به‌جای استنتاج از پیش‌فرض‌های قبلی، سایر پژوهش‌ها یا چارچوب‌های نظری موجود، به‌طور مستقیم از داده‌ها کشف می‌کند.» (نادری و همکاران، ۱۳۹۹)

در نظریه داده‌بنیاد تحلیل داده‌هایی که به‌منظور تکوین نظریه گردآوری می‌شوند با استفاده از کدگذاری صورت می‌پذیرد مراحل کدگذاری در نظریه داده‌بنیاد شامل موارد زیر است:

- گام اول: کدگذاری باز
- گام دوم: کدگذاری محوری
- گام سوم: کدگذاری انتخابی

کدگذاری باز: این مرحله از نظریه داده‌بنیاد بلافاصله بعد از اولین مصاحبه انجام می‌شود به عبارت دیگر محقق پس از هر مصاحبه شروع به یافتن مفاهیم و انتخاب برچسب‌های مناسب برای آن‌ها و ترکیب مفاهیم مرتبط می‌شود (نادری و همکاران، ۱۳۹۹).

کدگذاری باز، فرآیندی تحلیلی است که طی آن مفاهیم مدنظر تحقیق و ویژگی‌ها و ابعاد مرتبط با آن مفاهیم از داده‌های موجود استخراج و طبقه‌بندی می‌شود (خدابنده‌لو و همکاران، ۱۳۹۶).

مطابق روند دورانی پژوهش کیفی، پژوهشگر پس از انجام هر مصاحبه، نسبت به تحلیل آن اقدام می‌کند و سپس با توجه به نتایج حاصله نمونه بعدی را با توجه به غنای اطلاعاتی موردنظر انتخاب می‌کند (فرهنگی و همکاران، ۱۳۹۵).

در تحقیق حاضر متن حاصل از پیاده‌سازی فایل‌های ضبط‌شده در مصاحبه‌ها به‌طور کامل مورد مطالعه مجدد قرار گرفته و مفاهیم کلیدی مرتبط با موضوع تحقیق، استخراج و نشانه‌گذاری شده است. فهرست مفاهیم استخراج شده در مرحله کدگذاری باز در بخش یافته‌های تحقیق ارائه شده است.

1. Pavel

[Downloaded from qjfep.ir on 2025-11-29]

[DOI: 10.61186/qjfep.11.41.197]

کدگذاری محوری: در کدگذاری محوری پس از تبیین طبقه محوری، هریک از مفاهیم استخراج شده در مرحله کدگذاری باز به طبقات خود ربط داده شدند و تبیین دقیق‌تر و کامل‌تری درباره پدیده ارائه می‌شود. همچنین در کدگذاری محوری دسته‌های اولیه که در کدگذاری باز تشکیل شده بودند با هم مقایسه و آن‌هایی که با هم شباهت داشتند حول محور مشترکی قرار گرفتند؛ پژوهشگر یکی از طبقه‌ها را به‌عنوان طبقه محوری انتخاب کرده و آن را پدیده محوری در مرکز فرآیند مورد پژوهش قرار می‌دهد و ارتباط سایر طبقه‌ها را با آن مشخص می‌کند. ارتباط سایر طبقه‌ها با طبقه محوری در پنج عنوان می‌تواند تحقق یابد.

۱. **شرایط علّی:** این شرایط باعث شکل‌گیری پدیده یا طبقه محوری می‌شوند. این شرایط مجموعه‌ای از طبقه‌ها و ویژگی‌هایشان است که مقوله اصلی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و به نوعی توصیه‌کننده مقوله محوری هستند.

۲. **راهبردها:** بیانگر رفتارها، واقعیت‌ها و تعاملات هدف‌داری هستند که تحت تأثیر شرایط مداخله‌گر و شرایط زمینه‌ای هستند.

۳. **شرایط زمینه‌ای (بستر حاکم):** به شرایط خاصی که بر راهبردها تأثیر می‌گذارند بستر گفته می‌شود و تمیز آن‌ها از شرایط علی مشکل است. این شرایط را مجموعه‌ای از مفاهیم، طبقه‌ها، یا متغیرهای زمینه‌ای تشکیل می‌دهند. در مقابل شرایط علی، مجموعه‌ای از متغیرهای فعال وجود دارد. گاهی اوقات متغیرهای بسیار مرتبط را ذیل شرایط علی و متغیرهای با ارتباط کمتر را ذیل بستر حاکم طبقه‌بندی می‌کنند.

۴. **شرایط مداخله‌گر:** شرایطی هستند که راهبردها از آن‌ها متأثر می‌شوند، این شرایط را مجموعه‌ای از متغیرهای میانجی و واسط تشکیل می‌دهند. شرایط مداخله‌گر، شرایط ساختاری هستند که مداخله سایر عوامل را تسهیل یا محدود می‌کنند.

۵. **پیامدها:** برخی از طبقه‌ها بیانگر نتایج و پیامدهایی هستند که در اثر اتخاذ راهبردها به وجود می‌آیند.

[Downloaded from qjfep.ir on 2025-11-29]

[DOI: 10.61186/qjfep.11.41.197]

در هر حال کدگذاری محوری که اصطلاحاً به آن پارادایم کدگذاری محوری گفته می‌شود توسط کوربین و استراوس (۲۰۰۸) ارائه شده است و به این دلیل محوری گفته می‌شود که کدگذاری حول محور یک طبقه انجام می‌شود.

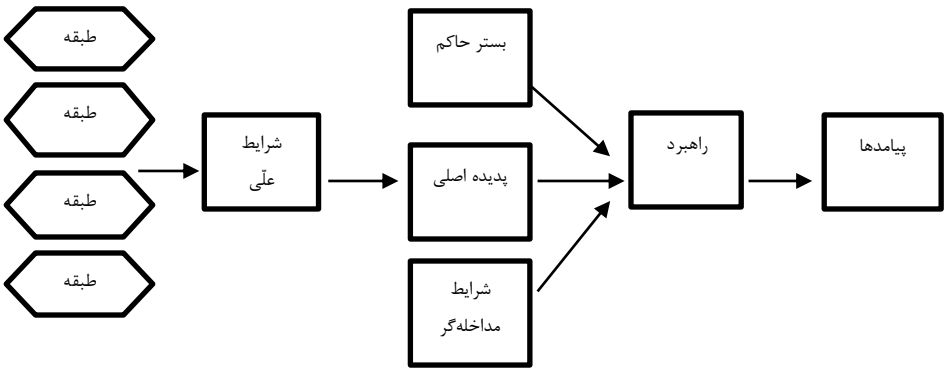

شکل ۱. مدل پارادایمی کدگذاری محوری

کدگذاری انتخابی: روند انتخاب مقوله و ارتباط منظم و سیستماتیک آن با سایر مقوله، اعتبار بخشیدن به روابط و پر کردن جاهای خالی با مقولاتی که نیاز به اصلاح و گسترش دارند را کدگذاری انتخابی می‌نامند.

همان‌گونه که عنوان شد جامعه آماری پژوهش حاضر، شامل تمامی متخصصان بانکداری بوده و به عبارتی خبرگان مصاحبه‌شونده منابع تحقیق می‌باشند. نمونه‌گیری در این پژوهش نیز، نمونه‌گیری نظری است. نمونه‌گیری نظری نوعی نمونه‌گیری هدفمند (از نوع گلوله برفی)[1] است که پژوهشگر سعی می‌کند با بهره‌گیری از نظرات و دانش آگاه‌ترین افراد درباره موضوع پژوهش،به واکاوی و موشکافی رویداد و پدیده موردنظر بپردازد. به عبارت دیگر نوع نمونه‌گیری، تصادفی نیست بلکه تعمدی و قضاوتی است. در این شیوه تعداد نمونه‌ها از پیش مشخص نیست و افزودن به آن‌ها تا مرحله رسیدن به اشباع نظری ادامه خواهد یافت.

1 Snowball

[Downloaded from qjfep.ir on 2025-11-29]
[DOI: 10.61186/qjfep.11.41.197]

۵. یافته‌های پژوهش

مطابق آنچه که در بخش روش‌شناسی پژوهش عنوان گردید. پس از مرور کامل متن مصاحبه‌های انجام‌شده با اساتید و خبرگان علوم مالی و بانکی و انجام فرآیند کدگذاری باز، تعداد ۹۵ مفهوم استخراج شد. مفاهیم استخراج شده مورد بررسی مجدد قرار گرفت و سعی شد مفاهیمی که تا حدودی مشابه بودند ادغام شوند. در این مرحله پس از بررسی و ادغام مفاهیم استخراج شده، تعداد مفاهیم به ۶۱ مفهوم کاهش پیدا کرد. در ادامه مفاهیم استخراج شده در مرحله کدگذاری باز، مقوله‌های مرتبط و تعداد تکرار هریک از آن‌ها به شرح جدول زیر ارائه می‌شود:

جدول ۸. مفاهیم استخراج شده در کدگذاری باز و مقوله‌های مرتبط

ردیف	کد باز	مفاهیم اولیه (کدگذاری باز)	مقوله‌ها	فراوانی
۱	c۰۱	ضرورت وضع قوانین کافی و مناسب	وضع قوانین و مقررات کافی و مناسب و ضمانت اجرایی قوانین قوانین و مقررات	۱۰۵
۲	c۰۲	وجود مقررات متعدد		
۳	c۰۳	وضع قوانین متعارض با نظارت مبتنی بر ریسک		
۴	c۰۴	ضرورت امکان نظارت طبق قوانین		
۵	c۰۵	ضعف نظارت در برخی از بانک‌های خاص		
۶	c۰۶	وضع استانداردهای لازم‌الاجرا توسط بانک‌ها		
۷	c۰۷	وضع مقررات احتیاطی		
۸	c۰۸	عدم کفایت نظارت تطبیقی	عدم کفایت نظارت	۱۰
۹	c۰۹	گذشته‌نگر بودن نظارت در شرایط موجود		
۱۰	c۱۰	گستردگی دامنه فعالیت بانک‌های دولتی	نقش مالکیت بانک‌ها (دولتی و خصوصی)	۱۳
۱۱	c۱۱	تنوع و تغییر در مالکیت بانک‌ها		
۱۲	c۱۲	ترکیب سهامداران بانک‌ها		
۱۳	c۱۳	کمبود و تخصیص نامناسب منابع	کمبود و تخصیص نامناسب منابع	۱۱
۱۴	c۱۴	نیازهای گسترده اقتصاد و محدودیت منابع بانکی		
۱۵	c۱۵	اعمال نظارت مبتنی بر فناوری اطلاعات	فناوری اطلاعات	۲۷
۱۶	c۱۶	استفاده از سامانه‌های اطلاعاتی		
۱۷	c۱۷	گردآوری اطلاعات مناسب و گزارشگری	گزارشگری مناسب	۲۱
۱۸	c۱۸	چارچوب پردازش و تحلیل اطلاعات		

[Downloaded from qjfep.ir on 2025-11-29]

[DOI: 10.61186/qjfep.11.41.197]

ادامه جدول ۸. مفاهیم استخراج شده در کدگذاری باز و مقوله‌های مرتبط

ردیف	کد باز	مفاهیم اولیه (کدگذاری باز)	مقوله‌ها	فراوانی
۱۹	c۱۹	فقدان تعریف مشخص از نظارت و اهداف آن	فقدان تعریف مشخص از مفهوم نظارت و اهداف آن	۳۷
۲۰	c۲۰	فقدان فهم مشترک از نظارت		
۲۱	c۲۱	فقدان ساختار مناسب جهت نظارت مؤثر	فقدان ساختار و فرآیند مناسب نظارت	۴۱
۲۲	c۲۲	فقدان فرآیند مناسب جهت نظارت مؤثر		
۲۳	c۲۳	تغییرات و پیچیدگی‌های محیط کسب‌وکار صنعت بانکداری	محیط کسب‌وکار بانک‌ها	۵
۲۴	c۲۴	اهلیت مدیریت بانک‌ها	ویژگی خاص صنعت بانکداری	۵۶
۲۵	c۲۵	وجود ساختارها و ویژگی‌های خاص بانک‌ها		
۲۶	c۲۶	نقش سرمایه و ذخایر در صنعت بانکداری		
۲۷	c۲۷	ترکیب مدیریت بانک‌ها		
۲۸	c۲۸	ترکیب مناسب دارایی‌های بانک		
۲۹	c۲۹	معاملات با اشخاص وابسته		
۳۰	c۳۰	استقرار نظام آموزشی	آموزش	۵
۳۱	c۳۱	آمادگی مدیران و کارشناسان نظام بانکی	بستر اجرای مدل	۱۲
۳۲	c۳۲	فراهم آمدن شرایط اقتصادی و اجتماعی		
۳۳	c۳۳	اعمال نظارت بر چرخه عمر بانک	نظارت در چرخه عمر	۱۰
۳۴	c۳۴	پایش مستمر بانک		
۳۵	c۳۵	استقرار نظام ارزیابی عملکرد	ارزیابی عملکرد	۳
۳۶	c۳۶	تعریف رابطه مناسب بین مدیریت، مالکیت، مشتریان و نهاد ناظر	حاکمیت شرکتی	۵۶
۳۷	c۳۷	وجود منابع انسانی مناسب		
۳۸	c۳۸	نظام کنترل داخلی مناسب		
۳۹	c۳۹	تعارض منافع گروه‌های ذینفع		
۴۰	c۴۰	نقش حسابرسان داخلی و مستقل		
۴۱	c۴۱	استقرار نظام اعتبارسنجی و رتبه‌بندی بانک‌ها	اعتبارسنجی و رتبه‌بندی	۷

[Downloaded from qjfep.ir on 2025-11-29]

[DOI: 10.61186/qjfep.11.41.197]

ادامه جدول ۹ مفاهیم استخراج شده در کدگذاری باز و مقوله‌های مرتبط

ردیف	کد باز	مفاهیم اولیه (کدگذاری باز)	مقوله‌ها	فراوانی
۴۲	c۴۲	اعمال اقدام و اخطار پیشگیرانه	اتخاذ رویکرد مناسب قبل و حین بحران	۱۷
۴۳	c۴۳	اعمال اقدامات اصلاحی در مقطع بحرانی		
۴۴	c۴۴	اعمال اقدامات تنبیهی		
۴۵	c۴۵	نقش دولت در مقاطع بحرانی	نقش دولت و حاکمیت در اعمال نظارت	۷
۴۶	c۴۶	توجه به نقش سایر بخش‌های حاکمیت		
۴۷	c۴۷	دخالت دولت در نظارت مؤثر		
۴۸	c۴۸	وضعیت کلی اقتصاد و تأثیر متقابل بر بانک‌ها	وضعیت کلی اقتصاد و تأثیر متقابل بر بانک‌ها	۱۴
۴۹	c۴۹	دخالت دولت در تصمیم‌گیری و اداره بانک‌ها	دخالت دولت	۶
۵۰	c۵۰	استقلال ناظر	تعریف جایگاه مناسب ناظر	۳۶
۵۱	c۵۱	اختیار ناظر		
۵۲	c۵۲	حمایت از ناظر		
۵۳	c۵۳	ثبات و سلامت بانک‌ها	ثبات و سلامت نظام بانکی	۱۷
۵۴	c۵۴	حمایت از منافع سپرده‌گذاران و ذینفعان	حمایت از منافع سپرده‌گذاران و سایر ذینفعان	۱۰
۵۵	c۵۵	ارتقاء شفافیت	شفافیت	۲۷
۵۶	c۵۶	افزایش ظرفیت پاسخگویی	پاسخگویی	۸
۵۷	c۵۷	تعریف حدود ریسک	استقرار نظام مدیریت ریسک	۵۳
۵۸	c۵۸	شناسایی ریسک		
۵۹	c۵۹	سنجش و ارزیابی ریسک		
۶۰	c۶۰	نحوه مواجهه با ریسک		
۶۱	c۶۱	یکپارچگی و وحدت رویه در اعمال نظارت	وحدت رویه	۶

منبع: یافته‌های پژوهش

[Downloaded from qjfep.ir on 2025-11-29]

[DOI: 10.61186/qjfep.11.41.197]

پس از بررسی مفاهیم استخراج شده در مرحله کدگذاری باز، مقوله «استقرار نظارت مبتنی بر ریسک در بازار پول» به‌عنوان مقوله محوری در نظر گرفته شد و مطابق روش تشریح شده در بند روش‌شناسی پژوهش، کدگذاری محوری انجام پذیرفت. در این مرحله شرایط علی به‌عنوان عواملی که مقوله محوری را تحت تأثیر قرار می‌دهند در نظر گرفته شد و سپس شرایط مداخله‌گر و شرایط زمینه‌ای تعیین و بر اساس آن‌ها راهبرهای استقرار نظارت مبتنی بر ریسک در بازار پول ارائه شد و در ادامه پیامدها و برون‌داده‌های حاصل از مدل معرفی شده تعریف گردید. همچنین پس از گردآوری مقالات و پژوهش‌های مرتبط با موضوع و مطالعه کتابخانه و مرور ادبیات تئوریک مرتبط با موضوع تحقیق از مراجع پژوهشی در دسترس برخی از مؤلفه‌ها در الگوی نهایی لحاظ گردید در نهایت مدل تصویری نظارت مبتنی بر ریسک در بازار پول به شرح زیر ارائه می‌شود:

[Downloaded from qjfep.ir on 2025-11-29]

[DOI: 10.61186/qjfep.11.41.197]

شرایط زمینه‌ای

-آمادگی مدیران و کارشناسان نظام بانکی
-فراهم آوردن شرایط اقتصادی و اجتماعی
-استقرار نظام آموزشی
-توجه به ویژگی‌های صنعت بانکداری
-تعریف جایگاه مناسب نهاد ناظر
- استقرار نظام ارزیابی عملکرد
- استقرار نظام اعتبار سنجی و رتبه بندی

شرایط علی

-گذشته نگر بودن، عدم کفایت نظارت تطبیقی و تاخیر در اعمال نظارت
-کمبود و تخصیص نامناسب منابع بانکی
-فقدان تعریف مشخص از مفهوم نظارت و اهداف آن
- هزینه بالای فرآیند نظارت
-فقدان ساختار و فرآیند مناسب
-تغییرات و پیچیدگی‌های محیط کسب و کار در صنعت بانکداری
- زمان بر بودن فرآیند نظارت

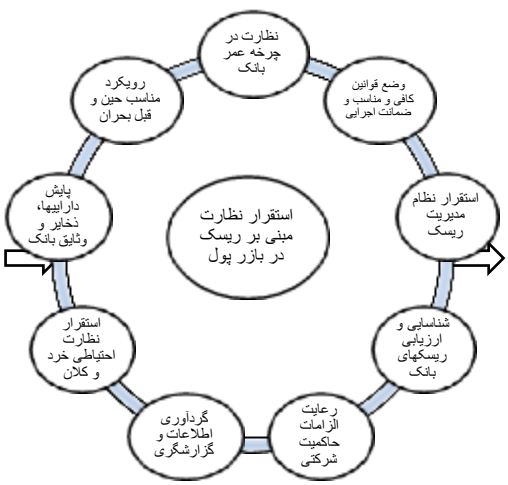

پیامدها

-ثبات و سلامت نظام بانکی
-صیانت از منافع سپرده‌گذاران و سایر ذینفعان
-ارتقاء شفافیت
-افزایش ظرفیت پاسخگویی
- افزایش کارایی و اثر بخشی
- استقرار بازار رقابتی در صنعت بانکداری

شرایط مداخله‌گر

-مالکیت دولت در بانک‌ها و تغییرات در مالکیت بانک‌ها
-وضعیت کلی اقتصاد و تأثیر متقابل بر بانکها
-نقش حاکمیت و دولت در اعمال نظارت
-دخالت دولت در تصمیم‌گیری و اداره نظام بانکی
-ضرورت یکپارچگی و وحدت رویه در اعمال نظارت
- توسعه فناوری اطلاعات

شکل ۲ الگوی نظارت مبتنی بر ریسک در بازار پول

[Downloaded from qjfep.ir on 2025-11-29]
[DOI: 10.61186/qjfep.11.41.197]

٦. روایی[1] پایایی[2] داده‌ها (قابلیت اعتماد تحقیق)

در این پژوهش برای بررسی روایی، یافته‌های پژوهش را برای مشارکت‌کنندگان ارائه و متن نظریه توسط آن‌ها مطالعه و دیدگاه‌های آن‌ها اعمال شده است. در پایان، این پژوهش توسط اساتید مورد مطالعه و بازبینی قرار گرفت و مواردی جهت اصلاح یا تغییر نظریه نهایی بیان شده است. یکی از راه‌های نشان دادن پایایی، مطالعه و بررسی فرآیند آن است. نتایج پایایی، زمانی قابل بررسی است که محقق دیگر بتواند مسیر تصمیم به‌کاررفته توسط محقق را در طول مصاحبه نشان دهد. بنابراین محقق، پایایی داده‌ها را از طریق نشان دادن مسیر تصمیمات خود و همچنین قرار دادن تمامی داده‌های خام، تحلیل‌شده، کدها، مقوله‌ها، فرآیند مطالعه، اهداف اولیه و سؤال‌ها در اختیار اساتید راهنما و مشاور با حسابرسی دقیق صاحب‌نظران، درستی تمامی گام‌های تحقیق مورد تأیید قرار گرفت.

علاوه بر این در تحقیق کنونی از روش توافق درون موضوعی برای محاسبه پایایی مصاحبه‌های انجام‌گرفته استفاده شده است. برای محاسبه پایایی مصاحبه با روش توافق درون موضوعی از دو کدگذار (ارزیاب) دانشجوی مقطع دکتری مالی درخواست شد که به‌عنوان همکار پژوهش (کدگذار) در پژوهش مشارکت کنند. در هرکدام از مصاحبه‌ها، کدهایی که در نظر دو نفر مشابه هستند به‌عنوان «توافق» و کدهای غیرمشابه به عنوان «عدم توافق» مشخص شده‌اند. سپس محقق به همراه همکار پژوهش تعداد سه مصاحبه را کدگذاری کردند. درصد توافق درون موضوعی که به‌عنوان شاخص پایایی تحلیل به کار می‌رود (۶۰ درصد بالاتر) با استفاده از فرمول زیر محاسبه می‌شود:

$$\text{درصد توافق درون موضوعی} = \frac{\text{تعداد توافقات} \times ۲}{\text{تعداد کل کدها}} \times ۱۰۰٪$$

1. Validity
2. Pelability

[Downloaded from qjfep.ir on 2025-11-29]

[DOI: 10.61186/qjfep.11.41.197]

در نهایت در این تحقیق از ارزیابی باز آزمون و روش توافق درون موضوعی برای محاسبه پایایی استفاده شده است.

نتایج حاصل از این کدگذاری به شرح جدول زیر است:

جدول ۹. ارزیابی باز آزمون و روش توافق درون موضوعی

ردیف	عنوان مصاحبه	تعداد کل داده‌ها	تعداد توافق‌ها	تعداد عدم توافق‌ها	پایایی باز آزمون
۱	اول	۴۶	۲۰	۶	٪۸۶
۲	چهارم	۶۰	۲۴	۹	٪۸۰
۳	هشتم	۵۷	۲۱	۷	٪۷۴
		۱۶۳	۶۵	۲۲	٪۷۹

منبع: یافته‌های پژوهشی

همان‌گونه که در جدول بالا نشان داده شده است تعداد کل کدهای ثبت شده توسط هر دو نفر (محقق و فرد همکاری کننده) برابر ۱۶۳، تعداد کل توافق‌ها بین این کدها ۶۵ و تعداد کل عدم توافق بین این کدها ۲۲ است. پایایی بین دو کدگذار با استفاده از فرمول ذکر شده ۷۹ درصد است که از ۶۰ درصد بالاتر بوده و بنابراین سطح اعتماد در کدگذاری در سطح قابل قبول و مورد تأیید است.

۷. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

فقدان تعریف مشخص از مفهوم نظارت و اهداف آن باعث شده است ذینفعان و کنشگران حوزه بانکداری، انتظارات متفاوتی از مفهوم و حدود عملکرد و به‌تبع آن خروجی عملکرد سیستم نظارتی داشته باشند. این موضوع باعث ناهماهنگی فی‌مابین سازمان نظارت شونده، نهاد ناظر و مراجع تصمیم‌گیری می‌شود. همچنین عدم کفایت وضعیت فعلی نظارت، به‌واسطه گذشته‌نگر بودن چارچوب نظارت موجود، رضایت از خروجی چارچوب فعلی نظارت را در سطح پایین قرار داده است؛ اتکا صرف به رویکرد نظارت تطبیقی و عدم توجه به مخاطرات آتی و پیش‌بینی آینده و نیز فقدان فرآیند و ساختار مناسب در اعمال نظارت، ضرورت نظارت مبتنی بر ریسک را ایجاب

[Downloaded from qjfep.ir on 2025-11-29]

[DOI: 10.61186/qjfep.11.41.197]

می‌کند. علاوه بر این کمبود و تخصیص نامناسب منابع بانکی و نیز تغییرات گسترده و پیچیدگی‌های محیط کسب‌وکار در صنعت بانکداری،هزینه بالا در اعمال نظارت و زمان‌بر بودن آن، ضرورت استقرار مدل نظارت مبتنی بر ریسک را توجیه می‌کند. تحقیق پیش رو در پی ارائه الگوی نظارت مبتنی بر ریسک، راهبردهایی که از نظریه‌پردازی داده‌بنیاد تحت تأثیر شرایط مداخله‌گر و زمینه‌ای و نیز مرور ادبیات تحقیق شکل گرفته است ارائه می‌نماید. بر اساس یافته‌های تحقیق حاضر، مالکیت دولت در بانک‌ها و تغییرات در مالکیت بانک‌ها، تأثیر شرایط و وضعیت کلی اقتصاد، نقش حاکمیت و دولت در اعمال نظارت، دخالت دولت در تصمیم‌گیری و اداره نظام بانکی و ضرورت یکپارچگی و وحدت رویه در اعمال نظارت به عنوان شرایط مداخله‌گر بر راهبردهای الگوی نظارت مبتنی بر ریسک اثرگذار است. از سوی دیگر مواردی از قبیل آمادگی مدیران و کارشناسان نظام بانکی در پذیرش مدل، فراهم آوردن شرایط اقتصادی و اجتماعی به معنی ثبات در وضعیت اقتصادی بر اساس متغیرهای کلان اقتصادی، توجه به ویژگی‌های صنعت بانکداری به‌عنوان واسطه‌گری در تخصیص منابع مازاد برخی از بخش‌های اقتصادی به سایر بخش‌ها که نیازمند منابع مالی هستند و تعریف جایگاه مناسب نهاد ناظر به معنی تأمین استقلال نهاد ناظر و نیز دادن اختیارات کافی در اعمال نظارت می‌تواند به‌عنوان شرایط زمینه‌ای و بستر اجرای مدل قلمداد می‌گردد. تحت تأثیر شرایط علی، مداخله‌گر و زمینه‌ای مورد اشاره، راهبردهایی برای موفقیت الگوی نظارت مبتنی بر ریسک ارائه گردید،شناسایی و ارزیابی اهم ریسک‌های موجود در صنعت بانکداری از جمله ریسک اعتباری، ریسک نقدینگی،ریسک بازار و ریسک عملیاتی از نظر ساختار و شیوه‌های مدیریت ریسک، تحلیل‌های مربوط و تأثیر آن‌ها بر چشم‌انداز فعالیت‌های آتی هر بانک و نیز ارائه تحلیل‌های راهبردی در خصوص توزیع تسهیلات اعطایی،تعهدات،سرمایه‌گذاری در شرکت‌های وابسته و وضعیت ذخایر،دارایی‌ها و وثایق بانک و ارائه برنامه‌های احتیاطی در زمان تکانه‌های اقتصادی و یا بحران‌های احتمالی از جمله راهبردهای هر بانک است که در صورت پیگیری و اجرای مؤثر آن‌ها ضمن ارتقاء شفافیت و استقرار نظام

[Downloaded from qjfep.ir on 2025-11-29]

[DOI: 10.61186/qjfep.11.41.197]

پاسخگویی در شبکه بانکی ثبات و سلامت نظام بانکی تأمین و از منافع سپرده‌گذاران به عنوان یکی از ارکان فعال در صنعت بانکداری صیانت خواهد شد.

۸. پیشنهادهای حاصل از یافته‌های تحقیق

۱. هرچند که در حال حاضر از ظرفیت احکام قوانین و الزامات مقررات و استانداردهای لازم‌الاجرا منطبق با نهادهای حرفه‌ای در حوزه نظارت بر بانک‌ها و مؤسسات اعتباری به صورت کامل استفاده نمی‌شود لکن به‌واسطه وجود قوانین و مقررات متعدد و متعارض با الزامات و چارچوب‌های نظارت مبتنی بر ریسک و نیز ضعف در ضمانت اجرای قانون و مقررات اصلاح و تنقیح قوانین و مقررات ضروری است.

۲. موفقیت در استقرار نظام نظارت مبتنی بر ریسک نیازمند توجه به مؤلفه‌هایی از جمله نظام کنترل داخلی مناسب، وجود منابع انسانی متخصص، توجه به نقش حسابرسان مستقل و داخلی و اهمیت تعارض منافع گروه‌های ذینفع از یک سو و تعریف رابطه مناسب بین مدیریت، مالکیت، مشتریان و بانک مرکزی به عنوان نهاد ناظر در قالب الزامات حاکمیت شرکتی در شبکه بانکی میسر می‌شود.

۳. به منظور نظارت بر بانک‌ها و مؤسسات اعتباری فعال در بازار پول با رویکرد ریسک محور،استقرار نظام مدیریت ریسک از جمله شامل تعریف ریسک و حدود آن و شناسایی ریسک‌های مرتبط با فعالیت‌های بانک‌ها، سنجش و ارزیابی ریسک، شدت و دوره مواجهه بانک با ریسک‌ها و نیز چگونگی و سازوکارهای برخورد با ریسک ضرورت دارد.

۴. به منظور موفقیت نظام نظارت مبتنی بر ریسک اعمال نظارت در چرخه عمر بانک‌ها و مؤسسات اعتباری از مرحله پذیرش درخواست ایجاد، حین فعالیت تا مقطع انحلال و پس از آن به‌واسطه حساسیت صنعت بانکداری در چرخه اقتصاد و اتخاذ تصمیمات و اقدامات مناسب توسط نهاد ناظر از جمله شامل اخطار و اقدام پیشگیرانه به منظور پرهیز از تشدید موقعیت ریسکی و نیز اقدامات اصلاحی و یا تنبیهی جهت عدم مواجهه با بحران در صنعت بانکداری الزامی است.

[Downloaded from qjfep.ir on 2025-11-29]

[DOI: 10.61186/qjfep.11.41.197]

۵. هرچند که در سال‌های اخیر در حوزه استفاده از فن‌آوری اطلاعات در فعالیت‌های شبکه بانکی و به تبع آن اعمال نظارت توسط نهاد ناظر اقدامات مناسبی صورت گرفته است، لکن پیگیری و توجه به این حوزه و استفاده از سامانه‌های اطلاعاتی به منظور گردآوری اطلاعات به هنگام و قابل اتکا و تجزیه‌وتحلیل و گزارشگری آن ضرورت دارد.

۶. استقرار نظام اعتبارسنجی و رتبه‌بندی بانک‌ها و مؤسسات اعتباری از یک سو و تعریف چارچوب ارزیابی عملکرد در شبکه بانکی می‌تواند عامل مؤثر در موفقیت اجرای بهتر نظام نظارت مبتنی بر ریسک در نظام بانکی باشد.

[Downloaded from qjfep.ir on 2025-11-29]

[DOI: 10.61186/qjfep.11.41.197]

منابع

ابزری، مهدی، محمدی، سعید، تیموری، هادی (۱۳۸۶). بررسی عوامل مؤثر بر ریسک و بازده سرمایه‌گذاری در محصولات مالی. *فصلنامه روند*، ۱۷ (۵۴)، ۱۵۱-۱۲۳.

بوستانی، رضا، صلوتی‌تبار، شیرین (۱۳۹۶). بررسی استقلال بانک مرکزی ایران از بعد مالی. *فصلنامه روند*، ۲۴ (۷۸)، ۱۰۸-۷۵.

حکمت، سیاوش، محمدی قمی، سیده سحر (۱۳۹۶). ارائه چارچوبی برای بهبود عملکرد تطبیق مقررات در نظام بانکی به کمک فناوری نظارتی. *فصلنامه روند*، ۲۴ (۸۰)، ۸۰-۴۹.

خدابنده‌لو، مهدی، کرمی،غلامرضا، تالانه،عبدالرضا (۱۳۹۶). تدوین مدل گزارشگری سرمایه انسانی در حسابداری. *فصلنامه دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت*، ۶ (۲۳)، ۷۷-۶۳.

خوشبخت، آمنه (۱۳۹۷). ارزیابی ثبات شبکه بانکی ایران. *فصلنامه روند*، ۲۵ (۸۲)، ۷۸-۴۳.

مهدوی، غدیر (۱۳۹۴). *اصول بیمه و مدیریت ریسک (مفاهیم اساسی) در مدیریت ریسک و بیمه*. تهران: انتشارات بیمه مرکزی ایران.

سیف، ولی‌الله (۱۳۹۳). حاکمیت شرکتی در نظام بانکی ایران: چالش‌ها و انتظارات. *فصلنامه روند*، ۲۱ (۶۸)، ۵۲-۱۵.

عطاطلب، فاطمه، نیاکان، لیلی (۱۳۹۸). ارزیابی و نظارت ریسک محور بر شرکت‌های بیمه. *فصلنامه پژوهشنامه بیمه* شماره ۳۴ (۴)، ۲۶۴-۲۳۶.

فرهنگی، علی‌اکبر، سعیدآبادی، محمدرضا، آقایان، سمیه (۱۳۹۵). تسهیم دانش در شبکه‌های اجتماعی: ارائه مدل پارادایمی بر اساس نظریه گراندد تئوری. *فصلنامه مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، ۱۶ (۵۹)، ۱۸۴-۱۵۵.

ماجد، وحید، نورالدینی، صدرالدین (۱۳۹۲). نظارت مبتنی بر ریسک در صنعت بیمه. بیستمین همایش ملی و ششمین همایش بین‌المللی بیمه و توسعه.

مصطفی‌پور، منوچهر (۱۳۹۵). *بررسی ساختار مقررات‌گذاری و نظارت بر بازارهای مالی و ارائه پیشنهادها برای ایران*. معاونت اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی.

مطلبی، پرویز، قمصری گودرزی، علی (۱۳۹۳). *مدل نظارتی بانک مرکزی اسپانیا*. اداره نظارت بر بانک‌ها و مؤسسات اعتباری، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

[Downloaded from qjfep.ir on 2025-11-29]

[DOI: 10.61186/qjfep.11.41.197]

ملکی، منصور، چیت‌سازان، الهام (۱۳۹۵). *مقررات مربوط به سیستم‌های داخلی و کنترل داخلی بانک‌ها در ترکیه*. اداره مطالعات و مقررات بانکی، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

مهرابی، امیر حمزه و دیگران (۱۳۹۰). معرفی روش‌شناسی نظریه داده بنیاد برای تحقیقات اسلامی. *نشریه مدیریت فرهنگ سازمانی* ۹ (۲۳)، ۳۰-۵.

نادری، سمیه، بهرامی، شهاب، اسمعیلی، محسن (۱۳۹۹). ارائه مدل راه‌کارهای بهبود اثربخشی روش تدریس ورزش در مدارس ابتدایی ایران با رویکرد کراندد تئوری. *نشریه پژوهش در ورزش تربیتی*، ۸ (۲۰)، ۱۷۸-۱۵۹.

نجفی، روح‌الله، فلاح شمس، میرفیض، معدنچی زارع، مهدی (۱۳۹۷). ارائه الگوی نظارت بر نهادهای مالی در بازار سرمایه ایران با رویکرد مبتنی بر ریسک. *نشریه بورس اوراق بهادار*، ۱۱ (۴۳)، ۷۲-۲۳.

یزدان‌پناه، محمد، خلیل‌زاده، پدرام (۱۳۹۲). نظارت مبتنی بر ریسک در صنعت بیمه یک چارچوب مفهومی. بیستمین همایش بین‌المللی بیمه و توسعه، ۲۰

Aikman, David, Haldane, Andrew G. and sujit Kapadia, (2013), Operationlising a Macroprudential Regime: Goals, Tools and open Issues, *Banco de Espana*.

Allan schott, Paul (2006), *Reference Guide to Anti-Money laundering and combating the Financing of Terrorism*, warld Bank.

Al Mamun, M & Shahid Habib, R (2020). Risk-Based Supervision. *Islamic Financial Services Board*.

Anginer, D & Canbertay, A & Cull, R (2019*). Bank Regulation And Supervision Ten Years After The Global Financial Crisis, Development Research*, World Bank Group.

BIS (2012), Core principles for effective Banking supervision, Basel committee on Banking supervision core.

BIS (2011), Central Bank governance and financial stability.

Brunner, G (2008). *Risk-Based Supervision of Pension Funds. The International Bank For Reconstruction And Development*, The World Bank.

Dabija, Mieczystaw (2008), Monetary Causes of the Financial systems Instability vacow university of Economics, working Peper No9/KR/2/08/S/426.

[Downloaded from qjfep.ir on 2025-11-29]

[DOI: 10.61186/qjfep.11.41.197]

Evanis, Leone, A.M., Gill, M, and Hilbers. P (2000), *Macroprudential indicators of Financial systems soundness*. International Monetory fand Washington DC.

Groupe of Thirty (2008). The structure of Financial supercision, Approaches and Challenges in a Global Marlet Place

IMF (2015), United States: *Financial System Stability Assessment*, IMF Country Report. No. 15/170

IMF (2016), Gernany: Financial System Stability Assessment, IMF Country Report. No.16/189

IMF (2005), France: Financial Sector Assessment Program, IMF Country Report. No. 05/186

IMF (2016), United State, Financial Sustem Stability Assessment, IMF Country Report. No. 15/170

Misoi, L (2004). The Effectiveness Of Risk Based Supervision Model As Adopted By Kenyan Capital Market.

Momanyi, J (2006). The Effectiveness of A Risk Based Supervision As Adopted By The Central Bank Of Kenya.

Osinski, Jacek, Seael, Kathariane and Lex Hoogduin, (2013), Macro Prudential and Micro Prudential Policies: Toward Cohabitation, IMF.

Risk-Based Supervision (2018). Practical Leadership &Technical Guidance From Toronto Center.

Thompson, G (2008). Risk-Based Supervision Of Pension Funds In Australia. The World Bank Financial Systems Departments.

Van Greaning, H & Bratanovic, S (2020). International Bank For Reconstruction And Development The World Bank.

Venkatesha, V & NandKumar, A (2017). Rey tech: A Magical Entity From The Fintech Ecosystem.

[Downloaded from qjfep.ir on 2025-11-29]

[DOI: 10.61186/qjfep.11.41.197]

فصلنامه سیاست‌های مالی و اقتصادی

[Downloaded from qjfep.ir on 2025-11-29]

[DOI: 10.61186/qjfep.11.41.197]